

# خطر یکه استقلال و آزادی ایران و همه خلقهای جهان را تهدید میکند، از جانب امپریالیسم آمریکا بوده و هست

آنگاه راه برای استقرار مجدد نوعی رژیم طاغوتی، چه با شاه و چه بی شاه، عمود خواهد شد، مجدداً «مناسبات دوستانه‌ای» از نسوع مناسبات ۳۵ سال گذشته با آمریکا برقرار خواهد کرد، و مجدداً «استقلال ملی» نوع امریکائی در ایران تأمین خواهد گردید. مجدداً آنچنان «منافع ملت ایران» حفظ خواهد شد که ملت ایران بخاک سیاه بنشیند و انحصارات امپریالیستی بقیه در صفحه ۲

و به آن چنان «حفظ منافع ملت ایران»، هر فرد ایرانی فلا در شرایط کنونی باید مطابق رهنمود آقای برژینسکی - «توجه خود را به افغانستان معطوف دارد» و نه به آمریکا و توطئه هایش، و از آن بهتر چنین پندارد که دخل واقعی نه از طرف آمریکا، بلکه از جانب شوروی است»  
وقتی که هر ایرانی مطابق رهنمود آقای برژینسکی - توانست اینگونه «منطق بیاندیشد»

اگر قبول داریم که آقای برژینسکی مدافع منافع امپریالیسم استیلاگر و غارتگر آمریکا است، آنگاه باید پذیریم که پیروی از رهنمودهای او، حتی از طرف آنها که مخالف سرسخت آمریکا هستند، نتیجه دیگری نخواهد داشت جز بازگشت به همان «استقلال ملی» که طی ۳۵ سال «مناسبات دوستانه» رژیم محمد رضا پهلوی با آمریکا برقرار بوده است.  
برای رسیدن به آن چنان «استقلال ملی»

آقای برژینسکی، مشاور امنیتی ریاست جمهوری آمریکا، طی یک مصاحبه تلویزیونی، که خلاصه‌ای از آن را دیوید ای. فارسی پیش کرد، رهنمودهایی در رابطه با حوادث افغانستان داده است از این قبیل:  
«کشورهای اسلامی باید این حقیقت را دریابند که خطر واقعی نه از طرف آمریکا، بلکه از جانب شوروی متوجه آنهاست... هر فرد ایرانی که میتواند منطقی بیاندیشد، حتی آنها که مخالف سرسخت آمریکا هستند، باید توجه خود را به افغانستان معطوف دارند... استقلال ملی و تمامیت ارضی ایران طی ۳۵ سال مناسبات دوستانه‌ای که با آمریکا داشت، تأمین و محفوظ ماند... حفظ منافع ملت ایران حکم میکند که روابط حسنه آمریکا را از سر گیرند».

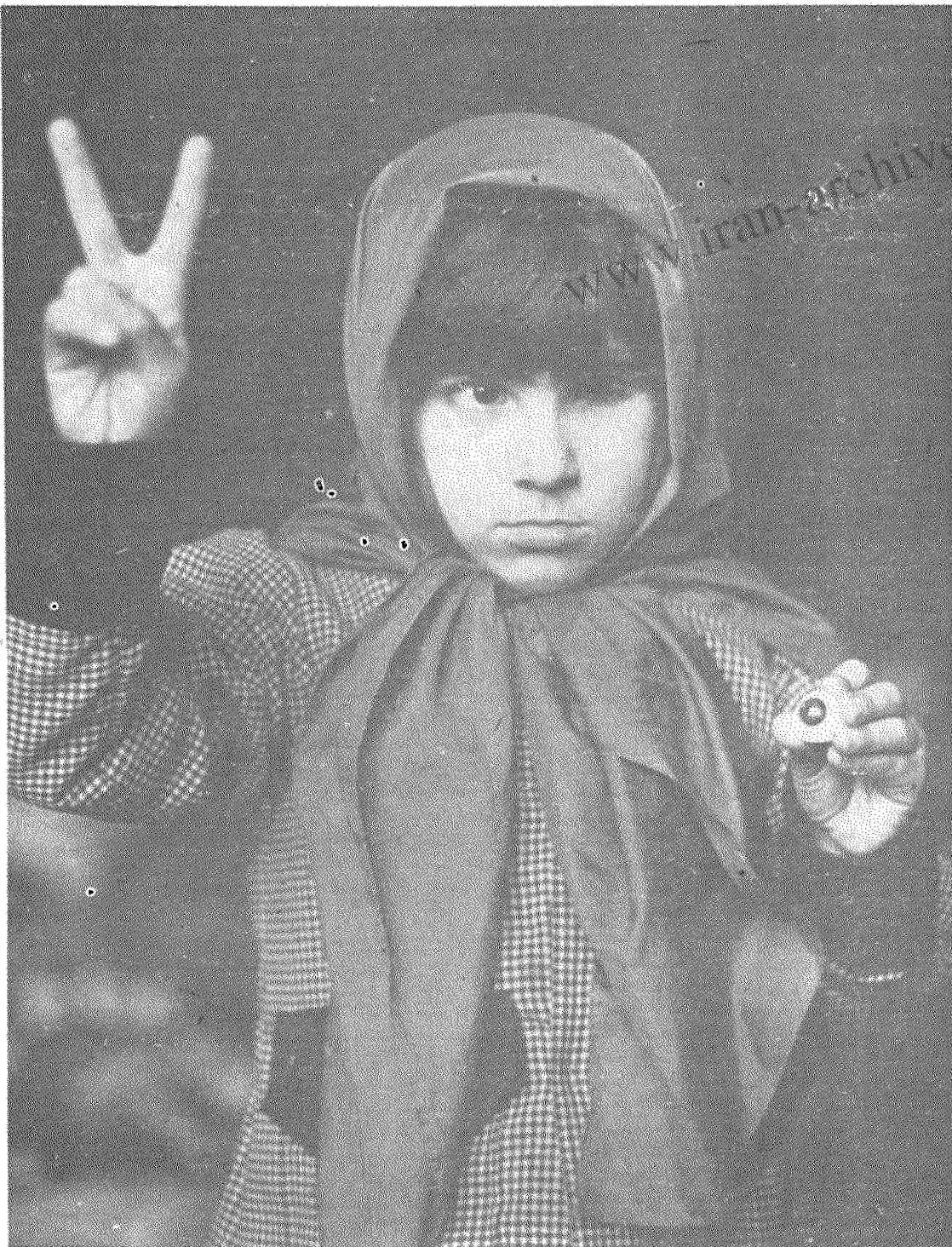
## حمله چماق بدستان

### حزب جمهوری خلق مسلمان به شهر قم و رادیو تلویزیون تبریز

انقلابی مردم و دعوت امام خمینی به آرامش و عدم توجه به تحریکات، این توطئه‌ها عقیم می‌ماند.  
در تبریز نیز چماق بدستان حزب خلق مسلمان به رادیو و تلویزیون حمله برده و این مرکز را به اشغال خود درآوردند.  
بقیه در صفحه ۸

در آخرین ساعات دیشب «مناو سیامی» جهوزی اسلامی ایران اعلام کرد که شد انقلاب در قم و تبریز دست به تحریکات زده است. طبق این اخبار، گروهی که خود را وابسته به حزب شد انقلابی «خلق مسلمان» اعلام می‌کردند، در خیابانهای قم راه پندان ایجاد کرده و در مشهد هم ریختن شهر و ایجاد درگیری بوده‌اند که با پشتیباری توده‌های

گفت و گو با ۳ هزار مجروح انقلاب:  
اینها از دروازه شهادت باز گشته‌اند...



منصوره پیرزادیان: گلوله آمریکا یک چشم او را برای همیشه نابینا کرد.

## یکی از جاسوسان دیپلمات نمای آمریکایی از قاتلان مردم ویتنام است

«دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» دیروز در اطلاعیه خود فاش کردند که، «دیوید ام. رودر» که یکی از جاسوسان گروگان است تاکنون ۱۳۸ مأموریت جنگی و ۶۸۰ ساعت پرواز جنگی داشته که ۱۰۲ دور تبه آن به باران ویتنام است. در اطلاعیه گفته می‌شود: «عمق فاجعه اینجاست که محافظ «هیونیستی» و امپریالیستی آمریکا مدافع کسانی است که چنین سوابق درخشانی در جبهات دارند... آری آمریکا چنین کسانی را برای مأموریت خائنانه روانه ایران می‌کند. دنیا بداند که جاسوسان آمریکایی که کار ترم از آزادی آنها میزند و برای آنها دلشوزی میکند چه کسانی هستند... آزادی چنین جاسوسان بزرگ و جنایتکاران بین‌المللی ضربه به شرافت، حقانیت و مظلومیت بشریت است. ما برای محاکمه و مجازات این جنایتکار جنگی و مزدور جاسوس آمریکایی از ملت دلیر و رزمنده ویتنام دعوت خواهیم کرد تا نمایندگان برای شرکت در دادگاه وی بفرستند».



دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۳۵  
شنبه ۱۵ دیماه ۱۳۵۸ - ۱۳۵۸ شماره ۱۰ ریال

## کارگران صنعت نفت در برابر جاسوسخانه:

# ما کارگران نفتیم آمریکایی‌ها ما را مبارز سرسختیم آمریکایی‌ها ما را

۲ س

ارگان حزب کمونیست سریلانکا:

## توطئه‌های امپریالیسم در افغانستان افشا و سرکوب شد

ارگان حزب کمونیست سریلانکا افزود که امپریالیستها در مورد افغانستان عیاو برآه انداخته و در امور این کشور مداخله کرده‌اند. این روزنامه اضافه کرد که آمریکا با این عیاو قصد دارد تحریکات خود را در خاورمیانه، اقیانوس هند و دریای کارائیب برده پویش کند. امپریالیسم آمریکا میخواست افغانستان را دوباره زیر سلطه خود قرار دهد و اکنون با خنثی شدن توطئه به خشم درآمده و زوزه میکشد.

ارگان حزب کمونیست ژاپن:

## کمک اتحاد شوروی به درخواست جمهوری دمکراتیک افغانستان است

روزنامه آکاهاتا، ارگان حزب کمونیست ژاپن نوشت که کمک اتحاد شوروی در پاسخ به درخواست فوری جمهوری دمکراتیک افغانستان صورت می‌گیرد. این روزنامه اضافه می‌کند که اوضاع کنونی در نتیجه تحریکات دشمنان افغانستان، پیوسته خود را بوجود آمده است. این دسته‌ها در نزدیک مرز در پاکستان پایگاههایی ایجاد کرده‌اند. آکاهاتا اضافه کرد که امپریالیسم آمریکا در پاکستان به این گروه‌ها کمک می‌کند.

## در ۸ صفحه

کاری کم‌رنگ بنام:  
راندگی شرکت واحد  
صفحه ۲

اخراج ۵ نویسنده  
و شاعر بزرگ  
صفحات ۵ و ۳

آهوپره  
شهری از جلال سرفراز  
صفحه ۵

ششمین سالگرد  
فرمان نین درباره  
جهاد بایسواد  
صفحه ۸

تلاش مجدد  
ضد انقلابیون در  
اراک علیه «مردم»  
صفحه ۸

# خط امام، خط ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب بزرگ مردم ایران است مردم ایران برای ریاست جمهوری به فردی رای میدهند که عمیقاً وفادار به خط امام باشد



# ۳۱ سال پیکار در راه

## ساختن نظام اجتماعی نوین در کوبا



اول ژانویه (۱۶ دی) بیست و یکسال از پیروزی انقلاب حمله-آفرین خلق کوبا سپری گردید. پیروزی انقلاب کوبا در تاریخ انقلابی که در جهان به پیروزی رسیده است، مقام برجسته ای دارد. پیروزی این انقلاب که برای نخستین بار در تاریخ، دوله امریکا، دره ۹ میلی بزرگترین قدرت امپریالیستی، پرچم انقلاب سوسیالیستی پیروزند را به اهتزاز درآورد، فشارتگر تغییر ماهوی تناسب نیروها در عرصه جهانی، بنوع نبردهای طرفدار صلح و ترقی و سوسیالیسم بود. همچنان که رهبر انقلاب کوبا، فیدل کاسترو، بارها این مطلب را خاطرنشان ساخته، پیروزی انقلاب در «جزیره آزادی» ادامه راه اکثر بزرگ است، که عرصه انقلابی سوسیالیستی و گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم را برپا می گذاردی کرده است.

با پیروزی انقلاب کوبا این واقعت به اثبات رسید که دیگر نیروهای ارتجاعی سیاه امپریالیستی، و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا، قادر بر تسلط و همین گدشته سرنوشته خلقها نیستند، و خلقها بپاخاسته، که بر راه آزادی و استقلال خود پیکار میکنند، در بر تو مبارزات قهرمانانه و بیگنیر و با بر خورداری از پشتیبانی و حمایت نیروهای آزادیخواه و ضد امپریالیستی - و در سرگز آنها جامعه کشورهای سوسیالیستی - قادرند، ترغیبات و توطئه های امپریالیسم را دفع کنند و به پیروزی نائل آیند.

در بر تو این پیروزی خلق قهرمان کوبا در طرف بیست و یکسال توانست بر میراث يك کشور استعمارزده فائق آید و نظام اجتماعی نوین را در سرزمین خود پایه گذاری کند. کوبا تا قبل از انقلاب کشور و بی سوادی و بی کاری بود. امروز بنایه اشتراک همه سازمانهای بین المللی، از جمله کمیته های فنی اجتماعی سازمان ملل متحد، از بی سوادی و فقر و بی کاری در این کشور اثری نمیتوان مشاهده کرد. در سال ۱۹۵۹، که انقلاب کوبا پیروز شد، از قریب هفت میلیون اهالی این کشور، يك میلیون بی سواد بودند و متجاوز از يك میلیون تنها سواد خواندن و نوشتن نداشتند. متجاوز از شصت هزار کودک، که به سن نوآوری رسیده بودند، از تحصیل محروم بودند و بیش از ده هزار نفر مسلم پیکار وجود نداشت.

دولت انقلابی قبل از هر چیز مبارزه با فقر و بیماری و بی کاری را در برنامه کار خود قرار داد. دولت انقلابی کوبا ۶۹ یادگان نظامی را به دستان و دبیرستان، با گنجایش ۴۰ هزار دانش آموز، تبدیل کرد. پس از پیروزی انقلاب در مدارس عالی کوبا ۱۵ هزار دانشجو تحصیل میکنند. امروز در دانشگاهها و دانشکاههای کوبایی سوسیالیستی ۸۳ هزار دانشجو در رشته های گوناگون دانش و فن تحصیل میکنند.

تمامی کودکانیکه به سن تحصیل رسیده اند، در مدارس کشور به تحصیل مشغولند. از دیده فقر، بی کاری و بیماری زمین دیگر در کوبا اثری هم وجود ندارد. از زمان پیروزی انقلاب تا کنون، حجم صنایع سنگین دو برابر شده است. دولت انقلابی در دوران پس از انقلاب، ۳۰۰ میلیون یورو در صنایع شیمیایی سرمایه گذاری کرده و حجم محصولات این رشته صنعتی از ۳۰۰ میلیون در سال ۱۹۵۸ به ۷۹۹ میلیون در سال ۱۹۷۵ رسیده است. ظرفیت نیروگاههای برق کشور از سال ۱۹۵۸ تا کنون سه برابر شده است. در صنایع فلزکاری تا کنون ۷۰ واحد تولید تأسیس یافته، که ۲۹ هزار کارگر در آنها بکار تولیدی مشغولند. ساختمان زندگی نوین و بازسازی اجتماعی کوبا، سوسیالیستی، همواره با توطئه و تحریکات و ترغیبات نظامی و سیاسی و دریا و اقتصادی این «جزیره آزادی» از جانب امپریالیسم آمریکا همراه بوده است. اما کوبایی سوسیالیستی، با بر خورداری از حمایت و همبستگی انترناسیونالیستی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و همه نیروهای ترقیخواه ضد امپریالیستی جهان، این مشکلات را با موفقیت از سر گذرانده است.

در ماه اکتبر ۱۹۶۰، دولت آمریکا صدور نفت به کوبا را قطع کرد. با توجه به اینکه تمام نیازهای کوبا به مواد سوخت در آن زمان از آمریکا تأمین میشد، این بزرگترین حربه ای بود که امپریالیست ها داشت انقلاب پیروزند کوبا را با آن از راه درآورد. ولی پس از چند ماه، ۱۶ نفتکش اتحاد شوروی با محموله های نفتی در سواحل «جزیره آزادی» لشکر انداختند. دولت انقلابی کوبا با پالایشگاههای نفت ششگانه و صنایع استخراج املی اعلام کرد و نفت های وارد از اتحاد شوروی در این پالایشگاهها تصفیه شد.

در ماه ژوئیه ۱۹۶۰، آمریکا از خرید شکر کوبا، که عمده ترین کالای صادراتی این کشور بود، امتناع نمود. پس از چند روز دولت اتحاد شوروی به دولت انقلابی کوبا اطلاع داد که اتحاد شوروی تمام سهمیه خریداری شده شکر کوبا را خواهد خرید. در ماه اکتبر سال ۱۹۶۰، دولت انقلابی کوبا تمام بانکها و موسسات اعتباری وابسته به سرمایه های انحصارات آمریکا را ملی اعلام کرد. دولت آمریکا به «تلافی» این اقدام، روز ۱۸ اکتبر ۱۹۶۰ محاصره اقتصادی کوبا را آغاز کرد. دولت انقلابی کوبا با تمام توان اقتصادی دولت انقلابی کوبا را بازانو درآورد، به داخله سلطانه و اقتیارات نظامی علیه خلق کوبا دست زد و به سران دریای کارائیب را بوجور آورد. اما این آخرین تلاش امپریالیسم آمریکا نیز در بر تو عزم راستی مردم کوبا در دفاع از دستاوردهای انقلاب و بر خورداری از پشتیبانی و کمکهای همه جانبه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی با شکست مقننه در بر تو رو بر گردید.

رفیق فیدل کاسترو، رهبر کوبا در نخستین کنفرانس حزب کمونیست کوبا، در بیان آردی از کمکیا و پیشانیه های همبستگی

### در حاشیه حوادث افغانستان جنجال در قبال حقیقت هموار دنا تو انیست

حوادث افغانستان عظیمی را در رسانه های گروهی تحت کنترل امپریالیسم برانگیخته است. موقی که حفیظ الله امین نورمحمد ترکمی و دهها نفر دیگر از یارانش را میکشد، از این جنجالها خبری نبود. آن موقع مجلات امریکائی اظهار نظر بانی امریکائی را، که امین در خانه آنها پانسیون بود، در مدح «نیابت» و «تمدن» امین چاپ میکردند. ولی امین، «مهر زمان» سابق خود را در دخیه های کابل نابود میکرد. همه اینها عادی بود و جنجالی لازم نداشت. فقط در تهران اعلامیه میدادند که کوبا ترکمی در ایران قصد ترور مقامات روحانی را داشته و سعی میکردند در تبریز مردم را به هیجان آورند. دوزخ و جنجال از آنجا شروع میشد که نقش امین نکرقت. این بازی کهنه امپریالیستی است که یکی از اعمال خبوسد را تا «ببخ گوش» که در بر شد، امپریالیستی اوج دهد و آنگاه او را از سر راه بردارد و سپس این عامل را بر اوضاع مسلط سازد. همین جریان را ما در مورد نورا لاسادات و عبدالنار سیدیه امین، جریان ترور و زور و تورا در هر امری امین نکرقت، امین و اسرارچینی را فراموش نخواهیم کرد. وقتی دایره ناله از آمریکا کمک طلبید تا انقلاب مجارستان را نابود کند و ارتش شوروی بنا به تقاضای دولت انقلابی به کمک انقلاب شتافت، جنجال رسانه های گروهی امپریالیستی به فلک هفت رسید. وقتی دو پیکار با یارانش انقلاب چکسلواکی را از سر انترناسیونالیستی آن متصرف کردند و ارتش شوروی را و بر تو موافق قرارداد های اعضاء آن، پس از مذاکرات دوستانه اقلی، که به نتیجه نرسید، مجبور به داخله شد، باز نمره نوزده آسمان شاک رسانهای امپریالیستی شروع شد. ولی مجارستان و چکسلواکی از این حوادث نه فقط کمترین ضرری نبردند، بلکه استقلال و آزادی واقعی شان حفظ شد و واقیبات و آمارها نشان میدهند که در زمینه صنعت (نه صنایع مونتاز، بلکه صنایع واقعی) و کشاورزی و فرهنگ هم این کشورها، در مقایسه با سرداران پیشین، ترقی شگفت کردند. فقط واقیبتها در مجموع خود (نه واقیبتهای دست چین شده) میتوانند ماهیت حوادث را روشن کنند.

وقتی بیت نام به یاری مردم کمپوچیا علیه حکومت خون آشام و لاپروست شتافت، باز نمره های گوشه نشانی امپریالیستها و ما توئیستها شروع شد. ولی زمستان «مورد» روس، سپاهی به ذغال میماند؟ سکان پارس میکنند و کاروان ترقی و تکامل به راه خود ادامه میدهند. بقول مولوی، «عسکس بر طیبت خود می نند».

آنچه در افغانستان گذشته، تاریخ نشان خواهد داد که کلابه خیر و صلاح مردم افغان خواهد بود. و از آنجهت که ما در همسایه خود کشوری مستقل و نیرومند و شکوفا خواهیم داشت، به خیر و صلاح ایران نیز خواهد بود. حادثه افغانستان شکست امپریالیسم امریکاست و این نیز برای کشور ما سودمند است. اگر حال دی بی غرض هستیم، به جنجال های امپریالیسم امریکا و دست یارانش بر اعنا باشیم. اگر بپخته و با تجربه هستیم، در مقابل نمره های امپریالیسم امریکای علما ش خونرسد بنشینید.

# تحریکات علیه دولت انقلابی افغانستان و اتحاد شوروی بنفع کیست و توسط چه کسانی انجام میگردد؟

روزنامه اردو زبان چاپ کراچی، که خود زیر کنترل دولت پاکستان، دولت دست نشانده و وابسته به امپریالیسم آقای ضیاء الحق یار و همپالکی دیرین شاه مخلوع، قرار دارد، نقل کرده است: روزنامه اردو زبان چاپ کراچی، این خبر را چگونه بدست آورده است؟

آسوشیتد پرس می نویسد: «یک روزنامه اردو زبان چاپ کراچی گزارش داد، نمایندگان شورشیان مسلمان افغانی که در پاکستان مستقر هستند، شوروی را متهم کردند که از بسبب های «ناپالم» علیه شورشیان استفاده می کند».

نمایندگان شورشیان مسلمان افغانی که در پاکستان مستقر هستند، یعنی همان کسانی که توسط امپریالیسم امریکائی تجهیز میشوند، زیر سایه آقای ضیاء الحق، جلا در مردم پاکستان دست نشانده امپریالیسم آمریکا، زندگی می کنند و علیه دولت انقلابی افغانستان می جنگند، گفته اند که کینه و نفرت خود را در کجا این اتفاق رخ داده است؟

آسوشیتد پرس به نقل از یک «روزنامه اردو زبان چاپ کراچی»، به نقل از نمایندگان شورشیان مسلمان افغانی، که در یک محاسبه سخن فوق را گفته اند، نوشته است: «آنها به جلی که به بسبب های ناپالم در آن فرو ریخته شده اشاره ای نکردند!»

علاقندان به انقلاب ایران، که در کشورهای اروپائی و آمریکا، گزارش های همین خبرگزاری را از اقوال شورشیان ایرانی، که علیه «حکومت خمینی» می جنگند، شنیده اند، از چنین «اخباری» متمجب نمیشوند. ماهم متمجب نمیشویم.

اما تأسف و تعجب ما از این است که چگونه يك روزنامه ظاهرأ متعهد و مسؤل به انقلاب کشور ما، درست همان تبلیغات تحریک آمیز، خصمانه و جعلی امپریالیستها، را علیه دوست متحد بزرگ انقلاب ایران، یعنی اتحاد شوروی، آهم بشیوه ای «داغ تر از آتش»، نقل می کند؟

«آزادگان» با این روش خود نشان میدهند که نه تنها شیفته «اخبار»، خبرگزاریهای امپریالیستی است، بلکه اخبار ریشه از سه ساقی مطامع امپریالیسم آمریکا را نیز با علاقه ای شگفت آور، بعنوان مهمترین خبر روزنامه خود با هر جستی دهشتناک متمسک میسازد.

### باز هم فی پرسیم: این اعمال بسود کیست؟

دانشجوی خط امام عالمی حیران ایلدی آمریکائین جنایتین دنیا به افشا ایلدی (دانشجوی خط امام عالمی را حیران کرد جنایت های آمریکا را افشا کرد)

### کارگران نفت

گروه کثیری از کارگران صنعت نفت تهران هم برای اعلام همبستگی خود «با دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» به جلوی لانه جاسوسی آمریکا آمدند. کارگران مبارز صنعت نفت که درستگر خود بزرگترین شره را پیش از انقلاب به امپریالیسم آمریکا وارد ساختند، بار دیگر نشان دادند که با آگاهی کامل سنگس خود را در خدمت تداوم انقلاب قرار داده اند و در این راه بار دیگر ضرورت های احاد انقلاب، مثل بر توان خود را در مقابل امپریالیسم و ارتجاع داخلی گره می کنند. کارگران صنعت نفت شتار میدادند: «ما کارگران نفتیم، آمریکا بداند مبارز سرخسیم، امریکا بداند، کارگران صنعت نفت پلاکاردهائی حمل میکنند که بر روی آنها حمایت خود را از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اعلام کرده بودند. در پایان یکی از کارگران با قرائت قطع نامه ای خواست های انقلابی کارگران را اعلام کرد، در این قطع نامه از جمله آمده بود: - ما قطع صدور نفت را به هر کشور امپریالیستی، که در مناسبات خود متعارض با منافع خلق قهرمان ایران میباشد، خواستاریم. - بر جهان نایان امپریالیسم آمریکا روشن است، که خلق قهرمان ما هیچگاه مرعوب تحریم اقتصادی آمریکا و شورای امنیت نمیشود. - قطع کامل ریشه ها و روابط فرهنگی، اقتصادی وابسته به امپریالیسم را خواستاریم. - از شورای انقلاب خواستاریم بخاطر روشن شدن اذهان عمومی و رفیع سولنن حاکم در هر محیط، لیست افراد ساواکی، بالاخص ساواکیهای صنعت نفت را منتشر نماید. - از تمام اقتدار مملکت میخواهیم در این دوران حاس مملکت هر چه بیشتر صفوف خود را فشرده و در حفظ وحدت کلمه و یکپارچگی بکوشند.

بندسته مادا به نچیر اسارت کند. آقای برژنسکی فقط چشم طبع بی ایران ندوخته، بلکه برای حفظ سلطه امپریالیسم آمریکا بر تمام کشورهای اسلامی تلاش میکند (به خصوص آنها که نفت دارند). وی میگوید: «کشورهای اسلامی بسایند این حقیقت را دریابند (بخوانند این دروغ بزرگ را بنیترند) که خطرواقعی نه از طرف آمریکا، بلکه از جانب شوروی متوجه آنهاست».

ولی کشورهای اسلامی (اگر منظور خلقهای کشورهای اسلامی باشد) بجز به روز بروز بیشتر در میابند که دشمن اصلی آنها آمریکا و خطر واقعی از جانب آمریکا متوجه آنهاست. این تجربه را خلق فلسطین آزموده است. این تجربه را خلق مصر نیز آزموده است. آنگاه که انور سادات - مطابق رهنمودهای برژنسکی - «در یافت» که «خطر واقعی نه از طرف آمریکا، بلکه از جانب شوروی، مصر را تهدید میکند، راهی تل آویوشد، سر از جیب بکن برد آورد، خیانت «کمپدیوید» را ترک بکشد، مصر را به تیول آمریکا میدل کرد، دست در دست اسرائیل صهیونیست،

نقش ژاندارم منطقه ای امپریالیسم امریکا را بر عهده گرفت. يك قطار انور سادات های بی تاج و تاجدار در کشورهای اسلامی، در مراکش، در عمان، در اردن، در عربستان سعودی، در پاکستان و غیره که دریافته اند... خطر واقعی نه از طرف امریکا، بلکه از طرف شوروی، آنها را تهدید میکند، جنگی کارگران امریکا، خائنان به کشور و خلق خود، طاقتوانی هستند که یوغ اسادات امپریالیسم امریکا بر گردن خلق های کشورهای خود نهاده اند.

آیا این حقیقت بزرگ قابل انکار است! اگر نیست، آنگاه باید بهوش بود و بداند شیکه تبلیغاتی هفت رنگ امپریالیسم امریکا نیفتاد، این واقیبت عیان را باید دید و بدان اعتراف کرد، که خطرواقعی نه از جانب شوروی، بلکه از جانب امریکا همه کشورهای اسلامی و نیز کشورهای غیر اسلامی را تهدید میکند.

امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلق ما و همه خلق های جهان است. این حقیقت را همه خلق ما و خلق های جهان روز بروز بیشتر و عمیق تر در می یابند و رهنمودهای آقای برژنسکی و نظای او نیز دیگر اثر ندارد.

روزنامه آزادگان، در شماره پنجمین ۱۳ دی، بزرگترین تیر صفحه اول خود راه خبری دروغ و تحریک آمیز علیه اتحاد شوروی اختصاص داده است. این تیر، که با خواندن آن قلب هر ایرانی صادق، انقلابی و هوادار مردم از این گستاخ در دوغوشی و تحریک میلزد، چنین است:

«شوروی در افغانستان بمب ناپالم بکار می برد».

«آزادگان» این خبر دروغ و تحریک آمیز را از کجا نقل کرده است؟

در صفحه ۲ این روزنامه، که متن خبر در آن متمسک شده است، نوشته شده: آسوشیتد پرس! آسوشیتد پرس را که حتماً می شناسید. این همان خبرگزاری است که خصانه ترین تبلیغات را در جهان، علیه انقلاب ایران و در جهت منافع امپریالیسم آمریکا، انجام میدهد. این همان خبرگزاری است که میکوشد رهبر انقلاب ایران را در نتیجه «فرو سوطائی»، «جنایتکار» و مخالف «تمدن بزرگ» و اقدامات مترقی، شاه مخلوع معرفی نماید. این همان خبرگزاری است که حکومت انقلابی ایران را خبرنگار آنرا به همین جر اثم، از کشور بیرون کرد این همان خبرگزاری است که دهها هزار تن از مردم ایران علیه خبرهای جعلی، تحریک آمیز و خصمانه آن و همپالکیهایش، راه پیمائی کردند و خواستار تعطیل آن شدند و بالاخره این همان خبرگزاری است که متأسفانه یکی از عمده ترین منابع ارگانه های خبری کشور انقلابی ما را تشکیل میدهد!

آیا خبرگزاری آسوشیتد پرس، که در جهت مطامع و منافع غارتگرانه و خونین امپریالیستها، عمل می کند، اکثرین پیکاره مدافع «مردم مسلمان افغانستان» شده است و برای آنها دل می سوزاند؟ آیا مطبوعات کشور ما که موظفند نسبت به انقلاب و مصالح مردم ایران با مسولیت بر خورد کنند، دست جنایتکار امپریالیسم را در پشت اینگونه ارگانه های خبری نمی بینند؟

مگر میشود که امپریالیسم امریکا در یک مورد دشمن منافع خلقها باشد، آنها را بخون بکشد، برای حفظ منافع خود ۷۰ هزار نفر بکشد و یکصد هزار نفر را ناقص الموش کند، ولی در مورد دیگر مدافع منافع مردم یک کشور دیگر باشد و از جمله برای مردم مسلمان افغانستان، آه و ناله سردهد؟

اما ماجرا به همین جا خاتمه نمی یابد. خبر کذائی را آسوشیتد پرس، ارگان تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا، از قول دیک

### کارگران نفت در برابر جاسوسخانه

لانه جاسوسی آمریکا همچنان شاهد خروش صفوف رزمندگان مردم است، که به یاد دوماه «همچنان بی دردی می آیند و امپریالیسم آمریکا را محکوم می کنند.

دیروز در بریزم سیل خروشان مردم به جانب لانه جاسوسی سرانبر بود.

گروه کثیری از اتحادیه اسلامی کارکنان ذوب آهن اصفهان برای «همبستگی با دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» به جلوی لانه جاسوسی آمریکا آمدند.

این گروه از کارکنان ذوب آهن در شمارها و پلاکاردهایشان خواستار افشای سریع عناصر وابسته و دشمنان انقلاب بودند. بر روی یکی از پلاکاردها که توسط این گروه حمل میشد، نوشته شده بود: «افشاگری، افشاگری، تا مرگ امپریالیسم»

همچنین در شمارهای پرشوری که این گروه میدادند، افشای عناصر خائن به انقلاب را برای پیروزی انقلاب ضروری دانستند، - «دانشجوی خط امام» فرسادتو فریاد مسا، افشاگری، افشاگری، پیام توبه خلق ما»

بنداز کارکنان ذوب آهن، گروهی از کفپوشان به جلوی لانه جاسوسی آمریکا آمدند. این گروه که پای پیاده از لانه جاسوسی تهران آمده بودند، با دروهای رزمی، همبستگی خویش را با دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اعلام داشتند. سپس لانه جاسوسی آمریکا، راه پیمایان و کفپوشان خلخال را که برای اعلام همبستگی با راه امام بدانیجا آمده بودند، با غوغی بنیترفت. صفوف کفپوشان خلخال از جوانان و مردان وزنانی تشکیل میشد که با چهره های سوخته و استخوانی، که مهر رنجبری و زحمتکشی بر آنها زده شده بود، نمونه کاملی از زحمتکشان ما را ارائه میداد.

این گروه با شمارهای پرشور خود که بنیان آذربایجان داده میشد، عزم خود را در رزم با امپریالیسم اعلام میداشتند، آذربایجان آبریلماز دشمن مرامه جاتماز (آذربایجان تجزیه ناپذیر است دشمن به مقسود خود نمی رسد)

### خطری که استقلال و...

بقیه از صفحه ۱ و مثنی عمال آنها، هست و نیست ایران و ملت ایران را تاراج کنند.

رهنمودهای برژنسکی، برای آنها تسی که خود را «مخالف سرخست آمریکا» میدانند، ولی در عین حال توجه خود را در پیچهای شکنجی غیر از امریکا غیر از این دشمن اصلی، مبطوف میدارند، هشداردهنده است. زبیرا اگر درست است که رهنمودهای برژنسکی، نه بخاطر استقلال ایران، بلکه بخاطر استقرار مجدد سلطه استقلال شکن آمریکا در ایران، نه بخاطر حفظ منافع ملت ایران، بلکه بخاطر تبدیل مجدد ایران به میدان غارتگری امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است، پس باید شهباد بود ندانست در این رهنمودها کام نهاد، لفظه ای توجه را از این دشمن اصلی انقلاب ایران، دشمن اصلی استقلال ایران، دشمن اصلی آزادی ایران، برنگرفت تا این «شیطان بزرگ» نتواند توطئه های اهریمنی خود را بکار بندد و مجدداً خلق از

انترناسیونالیستی اتحاد شوروی نسبت به انقلاب کوبا و دولت انقلابی کوبا اظهار داشت:

«مانست به مبین لنین اعتماد و ایمان بیکران داریم. دولت اتحاد شوروی طی بیش از نیم قرن از پیروزی انقلاب اکتبر، صداقت و وفاداری خود را نسبت به اصولی که به آن متعهد است، نشان داده و سیاست خارجی بیگنیری را اجرا میکند. اتحاد شوروی این صداقت و وفاداری به اصول رانه تنها نسبت به کوبا، بلکه همچنین نسبت به ویتنام، در خاور نزدیک، در آفریقا، در مستعمرات سابق برتغال، در چین، در قبرس، در آنگولا، در مین و در همه جا که جنبش های

از کمکهای رفقا و دوستان

سپاسگزاریم

جلال	۶۰۰۰۰ ریال
شهریاری انشیراز	۵۰۰۰
عز انارومیه	۳۰۰۰
هواداری از کرک	۵۰۰۰

رسانده است. اتحاد شوروی در امر استقرار و حفظ صلح در سراسر جهان سهم پر ارزش و نقش قاطع دارد، زیرا در روزگار کمبود روز افزون مواد خام و مواد سوخت، اگر اتحاد شوروی در جهان وجود نداشت، امپریالیستها به تقسیم مجدد بیرحمانه جهان میپرداختند. تنها دولت شوروی مقتدر چنین اقدامی را غیر ممکن ساخته است.

مایست و یکمین سالگرد انقلاب کوبا را به خلق قهرمان کوبا صمیمانه تبریک میگویم و کامیابیهای هر چه بیشتر دولت انقلابی و مردم قهرمان کوبا را در راه ساختمان جامعه نوین سوسیالیستی





# اخبار دهقانی

## خواست دهقانان بخش کامفیروز

پیش از صد حکتار از اراضی قریه بیلو بخش کامفیروز، که در زمان اصلاحات ارضی کسبانی آریامهری باندوبست خانواده «تکتوگرتان-فودال» و مال و «پورزاد-فودال» جوانمردی بزبان دهقانان زحمتکش و بیگ مالکین بصرف مالکین داده شده بود. پس از مبارزات طولانی دهقانان قریه بیلو، این زمینها از تصرف آنها در آمد. زحمتکشان ساکن روستا زمینهای مزبور را مصادره و کشت نمودند. در پی تصمیمات شورای انقلاب و تدابیر مسئولان انقلابی وزارت کشاورزی، دادن زمینها به دهقانان باید هر چه زودتر صورت رسمی و قانونی یابد و دست بزرگ مالکان، که نیروی ذخیره شد انقلاب هستند، قطع شود.

شرکت تعاونی روستائی بخش کامفیروز در طول سال جاری، با توجه به کمبود روغن و یوگردهای رختشوئی و احتکار لوازم مزبور توسط محسوران شهری، جهت رفع کمبود نیازمندیهای اهالی «هیچگونه اقدامی نکرده و تنها یکمتر تبه، آنهم در اواسط آبان، بهر خانوار روستائی عضو شرکت تعاونی، ۲ کیلو روغن توزیع نموده است. زحمتکشان روستا میبایست روغن نباتی را از بازار آزاد بخرند و بیاچند برابر قیمت تهیه کنند. تعاونیهای روستائی تنها بر نامه ای که اجرا میکنند اینست که سرمایه ای را که روستائیان به شرکت های تعاونی داده اند، بخود آنها و پسا بهره ای حدود ۱۰٪ واپس دهند. آیا وقت آن نرسیده است که تعاونیها از صورت صرفی خارج شوند؟

همزمان با تدابیر جدی در زمینه مالکیت زمین لازمست که تعاونیها به نهادهای واقعی، که عملاً بپردازند دهقانان فعالیت کنند و در امور تولید و توزیع مصرف مؤثر باشند. بدل گردند.

برای ۱۵ هزار جمعیت زحمتکش روستائی پراکنده در ۲۲ قریه بخش کامفیروز تنها یک مدرسه راهنمایی (آنهم فقط کلاسی اول) دانش شده است. مسئولین آموزشی و پرورش شهرستان مرودشت «هیچگونه توجهی به آموزش و پرورش کامفیروز نسدانند. اجرای خواسته های رفاهی دهقانان در درجه اول مسائل آموزشی، نقش مهمی در بهبود زندگی آنان و بازگشت دهقانان آواره به رونق کشاورزی دارد. دولت انقلابی باید باین خواسته های حق، با استفاده از امکانات موجود کشور، توجه لازماً ملحوظ دارد.

## دهقانان «ده خیره» زمین «تیمساران» معدوم و مالک بزرگ دیگر آن ده را میخواهند

روستای «ده خیره» در ۳۵ کیلومتری جاده ورامین قرار دارد. در این ده چند تیمسار طاغوتی نظیر هاشمی نژاد و بیگلری، که پس از انقلاب محاکمه و تیرباران شدند، هر یک حدود ۱۵۰ هکتار زمین زراعی متعلق به اوقاف شهری را با اجاره ۹۹ ساله (۱) در تصرف خود داشتند. این زمینها اکنون در اختیار کمیته شهری است که میبایست آنها را بین دهقانان بی زمین و کم زمین تقسیم کند. مالک دیگری هم هست که حدود ۷-۸ هکتار زمین دارد و برای آنکه زمینهایش تقسیم نشود، آنها را قلمه قلمه کرده، بصورت فیررسی میفرشد. دهقانان از شورای انقلاب و مقامات مسئول انقلابی وزارت کشاورزی میخواهند که هر چه زودتر درباره واگذاری این زمینها به زحمتکشان روستا اقدام کنند.

## زندگی دهقانان سارو کلا، قائم شهر

روستای سارو کلا بوسیله یک جاده خاکی بطول ۲ کیلومتر به بخش کونی باقی قائم شهر متصل است. این روستا دارای ۳۰ خانوار جمعیت است. محصولات عمده روستا برنج و انواع حبوبات است. این روستا چون اکثر روستاهای ایران از دست آب آشامیدنی و بهداشت و درمان نگاه بی بهره است. زمینهای زیر کشت این روستا به نسبت جمعیت آن بسیار کم است. بطوری که زمیندارترین دهقانان بیش از ۳ هکتار زمین ندارند. عدم زبانی از روستائیان در کارخانه ها کار میکنند و ده دیگر به کشاورزی میپردازند. وضع کشاورزان به مراتب بدتر از اکثران است.

پیش از ۵۰ هکتار از زمینهای زراعی این روستائیان در دوران رژیم طاغوتی بزرگسازان، از آنها توسط مقامات شرکت سهامی نساجی مازندران برای خانه سازی گرفته شد. این زمینها که بیشتر آب (شالی زادی) بود، خرج خانواده روستائیان را تأمین میکرد. در موقع خرید این زمینها متری ۸ ریال از طرف شرکت تسهیل شد، که عده ای از دهقانان با آن مخالفت کردند. دهقانان ممتز، که زن و بچه های خود را به سرملک خود برده بودند، با سر نیزه آندانه های شاه مخلوع رو برو شدند. دهقانان در صاف زور میجویدند زمینهای خود را بخرشوند. یکی از دهقانان میگفت: «تا زه حتی متری ۸ ریال هم به ما پول ندادند، بلکه مقدار زیادی را بابت عشر نامه نگاری و پرونده سازی و غیره از ما کسر کردند».

دیگری میگفت: «تفنگ زمینهای خریداری شده، را خانه های ساخته که از جهت استحکام بسیار است و در زمین من نمیخورد و از طرف دیگر در موطب خیز است و باعث بیماری ساکنین میشود».

دهقانان این روستا بارها برای احقاق حق خود به فرمانداری و مقامات مسئول نامه نوشتند، ولی نتیجه ای نگرفتند. از این جهت آنها در روز ۱۸ آذرماه به فرمانداری قائم شهر مراجعه کردند و خواستار احقاق حق خود شدند. این روستائیان میگویند که:

«ما دهقانان باید خرج خانواده خود را از زمین بدست آوریم. قبل از انقلاب در زمینهای دیگران کار میکردیم، ولی بعد از انقلاب، همان مالکان غاصب میخواهند که برای کشت، مادی زمین کار کنیم. می ترسند زمین از زحمتکشان خارج شود. ما اکنون نصف زمینهای خریداری شده، که جهت ایجاد خانه های سازمانی از دهقانان گرفته شده، بدون استفاده مانده و هیچ کاری روی آن انجام نمیگردد. ولی مقامات مسئول حداقل این زمینها را به ما حاضر نیستند در اختیار دهقانان قرار دهند. دهقانان از شورای انقلاب میخواهند هر چه زودتر به این ظلم و بی حقی پایان دهند».

از تمام اراضی قابل کشت باید استفاده کرد. کلیه اراضی باید زیر کشت رود تا محصول کافی در داخل کشور بدست آید. این امر مرفی امکان پذیر است که زمینها بخود دهقانان که روی آن کار میکنند واگذار شود و تکلیف یکسر شود.

## چرا «حاشیه نویسی» خشمگین است؟

حاشیه نویسی روزنامه «جمهوری اسلامی»، باران دشنام بر مردم، بارید و در ابتدای ستون «طنز سیاسی» خود، هر چه می توانست اتهام و افترا از زبان خویش بیرون کشید و نتاثر مردم، کرد. و همه و همه اینها هم بدین جهت که به «جرای مردم» پاسخ نکند و نتان دهد از اینکه «مردم» کوشیده است او را «ارشاد» کند، پشت ناراحت و ناداشی است. اینکه آقای «حاشیه نویسی» خشمگین شده است، البته مساله ایست که ما نمی توانیم خود را در آن مقسربانیم.

خود کرده را تدبیر نیستا ولی اینکه ایشان بر این عقیده اند که «مردم» نمی تواند ایشان را ارشاد کند، مطلبی است که ما نمی توانیم بر سر آن با آقای «حاشیه نویسی» موافقت کنیم.

سخن ما بسیار ساده و کوتاه بود، ما هر سیده بودیم که، اگر این سخن حکیمانانه، «هر آدمی و هر گروهی را باید از رفتاریش و هر فردی که با هستنده، درست است، چرا محافل در ایران با «محکوم» کردن افغانستان، «دین سخنان امپریالیستها را در باره افغانستان تکرار می کنند». ما سوس از همه نا آگاهان - تکلیف آگاهان که معلوم است - خواسته بودیم که درباره این چراییها بنویسند و نا آگاهانه به امپریالیسم ددمنش آمریکا باری نرسانند.

اما آقای «حاشیه نویسی»، بجای اینکه برداش خود را از سخن امام بیان دارد، بجای آنکه توضیح دهد که چرا (متأسفانه) حرفهای کاذبی انورسادات، بر رئیسکی، قاپوسی و... را تکرار می کند، و بالاخره درباره این تشابه بیاندیشد، فقط فقط خشمگین شده است، زیرا تصور کرده است «مردم» میخواهد او را «ارشاد» کند!

ما بسیار دیگر از نیروهای صادق انقلابی، که واقفاً امپریالیسم آمریکا را دشمن کشور و انقلاب خود میدانند، ولی برخی از آنها به «محکوم» کردن دولت انقلابی افغانستان پرداخته اند، میخواهیم که اندکی بروی این تشابه تأفهاار بیاندیشند.

● مارکس، انگلس، لنین در زندگی خصوصی گردآورنده و مترجم مریخ فیروز (چاپ دوم) از انتشارات حزب توده ایران

● حزب توده ایران در عرصه سیاست روز (پیش و پاسخ) نورالدین کیانوری

● شهای درباره شناخت ایران و جهان احسان طبری

● لنین درباره حزب پرولتری طراز نوین

● سومین شماره

● دنیا

روز ۱۱ دی برای «کانون نویسندگان ایران» بتصدیق، همگان، نقطه عطفی بود. منتهی این نقطه عطف از دیدگاههای مختلف، بطرز متفاوت ارزیابی شد و خواهد شد. روز ۱۱ دی، بدنبال یک سلسله زمینه چینی های وسیع و در پیمان تدارکاتی که حکایت از توطئه ای دامنه دار میکرد، طی جلسه فوق العاده مجمع عمومی، پنج نفر نویسنده، شاعر و مترجم: محمود اعتمادزاده (به آذین) - سیاوش کسری - هوشنگ ابتهاج (ا. سایه) - فریدون تنکابنی و محمد تقی برومند از کانون «اخراج» شدند.

باور کردنی نیست، ولی حقیقت دارد. دستهایی که پشت پرده عمل میکرد و صحنه

# بدنبال يك توطئه، «کانون نویسندگان ایران» اخراج نویسنده

مبارزید، نخست تمامی دبیران و سپس اکثریت اعضای حاضر در جلسه ۱۱ دی (۸۱ نفر از ۱۲۸ نفر) را باین برنگاه راند، که گروهی از برجسته ترین نمایندگان ادب، ماسر، و از مشهورترین مبارزان خند زیم سلطنتی دست نشانده امپریالیسم را از کانونی که خود در دزایش و پرورش آن سهم عمده داشتند، اخراج کنند.

اکنون چه می توان گفت درباره کانونی که نویسندگان باین مقام در جنبش خلقی میهن ما و در ادبیات کشور ما را در خود ندانسته و از خود طرد کرده باشد؟ در جلسه ۱۱ دی، از ۲۸۷ نفر اعضای کانون دادند، ۸۱ نفر چنین رأی دادند. ولی همین کافی بود تا معلوم شود گولستان شر و ادب ما، در آن بخشی که در وجود کانون، شکل زمانی میبافت، آفت زده شده است. تریبهای بزرگ که می دیدند تاسخ کلها هستند، جای آنها تنگ است و جانیان رنگ ندارد، کوشیده اند از آگاهی یا تسبیح و از علاقه مندی صادقانه گروهی دیگر به ظاهر اصول دمکراتیک سوء - استفاده کنند، رقم بازی و ظاهر سازی کنند و ۸۱ رأی «اخراج» گرد آورند. برای

## «مردم» خطایه «اخراج شدگان» را منتشر میکند

خانمها و آقایان، اعضای کانون نویسندگان ایران

در روز سه شنبه چهارم دیماه، مجمع عمومی فوق العاده کانون نویسندگان ایران، به سبب آن که تعداد حاضران به حدصاب دوسوم کل اعضاء نرسیده بود، نتوانست رسمیت یابد. خوشبختانه امروز فرست آن دست داد که سرانجام این مجمع تشکیل شود و به امری که نتایج تسهیل پذیرد، کانون بایندید آورده است و آنرا تا تأسیسات تلاشی پیش می برد، رسمیت یابد.

از همان کتون لازم میبایست به سراحت اعلام کنیم که این وضع اسفناار نتیجه مستقیم روش خود سارانه ای است که حیث دبیران از همان فردای انتخابش در پایان فروردین امسال، با نقض ازبیکار «وضع کانون نویسندگان ایران» در پیش گرفته و خواسته است در برابر انقلاب رهبری آن، سیاست پنهان گیری و کارشکنی و دشمنی گروه و جامعه و جنبه سازمان معینی را به نام کانون، یعنی با مسئولیت ضمنی تک تک اعضای آن، اعمال کند. حیث دبیران، در این راه بن بست بیافتاد، تا جائی پیش رفت که میبایست کانون نویسندگان ایران، که روزی در صف مقدم جنبش انقلابی ملت ما بود، به صورت ارگان علیی انواع جریانیهای ضد انقلابی عمل میکنند.

در تاریخ کانون ما، این نخستین مجمع عمومی فوق العاده است و خوشبختانه به برکت انقلاب بیروزشده ملت ایران، در محلی آزاد و برکنار از هر گونه فشار بیرونی تشکیل می شود. امیدواریم هیچ زمینهای هم برای اعمال فشار از درون وجود نداشته باشد.

مجمع عمومی امروز برای آن فراخوانده شده است که درباره پنج عضو پرسابقه کانون نویسندگان ایران، که چهار تن از ایشان خود از موسسین آن بوده و سه تن تا سی و یکم فروردین ۱۳۵۸ به عنوان اعضای حیث دبیران کانون فعالیت مستمر داشته اند، تصوات کنند. اینجا مسئله عضویت این پنج تن مطرح است، که خود فرغ است بر آن مسئله اساسی، یعنی روش و فعالیت ضد انقلابی حیث دبیران که ورق پاره شایه و بختیار به نام «فریاد آزادی» در همان نخستین شماره مورخ ۱۳۵۸/۸/۱۰ خود از آن به گرمی یاد می کند و برای «آقای احمد شاملو و آقای باقر بهرام رسایر دوستان و همکاران اهل نورق و قلم آزادی» موفقیت دارد و امیدوار است لااقل وجود ارزشمندشان از گزند مزدوران خونخوار خویشی مصون بماند.

آری، چنین است و شرم آور است. اما برگردیم به مسئله عضویت پنج عضو پرسابقه کانون، بی شک پاسخی که مجمع به این مسئله خواهد داد سابقه ای به وجود خواهد آورد و عواقبی مثبت یا منفی خواهد داشت، چگونگی این پاسخ، یا به فعالیت خلاق کانون در راستای مصالح مردم و انقلاب یاری خواهد رساند، و یا آن را به راه درگیری خودخواهانه و افزون طلبی های شخصی و گروهی خواهد انداخت و سرانجام کانون را به انزوا و قلج گسختگی و تلاشی خواهد کشاند. از این رو، تأکید بر اهمیت این مجمع و تأثیر آن بر زندگی آینده کانون نمی تواند زاید باشد.

خانمها و آقایان پیش از ورود به مابیت مسئله، از آنجا که اکثریت بزرگ حاضران چند ماهی پیش نیست که در کانون نویسندگان ایران عضویت یافته اند، دسترسی درباره انگیزه تشکیل کانون و هدفها و مبارزات چندین ساله آن به عرض می رسایم تا موقع پیش نیاید که کانون را از راه مستقل و مبارزه مستقل خویش

## خانمها و آقایان

در تاریخ کانون ما، این نخستین مجمع عمومی فوق العاده است و خوشبختانه به برکت انقلاب بیروزشده ملت ایران، در محلی آزاد و برکنار از هر گونه فشار بیرونی تشکیل می شود. امیدواریم هیچ زمینهای هم برای اعمال فشار از درون وجود نداشته باشد.

مجمع عمومی امروز برای آن فراخوانده شده است که درباره پنج عضو پرسابقه کانون نویسندگان ایران، که چهار تن از ایشان خود از موسسین آن بوده و سه تن تا سی و یکم فروردین ۱۳۵۸ به عنوان اعضای حیث دبیران کانون فعالیت مستمر داشته اند، تصوات کنند. اینجا مسئله عضویت این پنج تن مطرح است، که خود فرغ است بر آن مسئله اساسی، یعنی روش و فعالیت ضد انقلابی حیث دبیران که ورق پاره شایه و بختیار به نام «فریاد آزادی» در همان نخستین شماره مورخ ۱۳۵۸/۸/۱۰ خود از آن به گرمی یاد می کند و برای «آقای احمد شاملو و آقای باقر بهرام رسایر دوستان و همکاران اهل نورق و قلم آزادی» موفقیت دارد و امیدوار است لااقل وجود ارزشمندشان از گزند مزدوران خونخوار خویشی مصون بماند.

آری، چنین است و شرم آور است. اما برگردیم به مسئله عضویت پنج عضو پرسابقه کانون، بی شک پاسخی که مجمع به این مسئله خواهد داد سابقه ای به وجود خواهد آورد و عواقبی مثبت یا منفی خواهد داشت، چگونگی این پاسخ، یا به فعالیت خلاق کانون در راستای مصالح مردم و انقلاب یاری خواهد رساند، و یا آن را به راه درگیری خودخواهانه و افزون طلبی های شخصی و گروهی خواهد انداخت و سرانجام کانون را به انزوا و قلج گسختگی و تلاشی خواهد کشاند. از این رو، تأکید بر اهمیت این مجمع و تأثیر آن بر زندگی آینده کانون نمی تواند زاید باشد.

خانمها و آقایان پیش از ورود به مابیت مسئله، از آنجا که اکثریت بزرگ حاضران چند ماهی پیش نیست که در کانون نویسندگان ایران عضویت یافته اند، دسترسی درباره انگیزه تشکیل کانون و هدفها و مبارزات چندین ساله آن به عرض می رسایم تا موقع پیش نیاید که کانون را از راه مستقل و مبارزه مستقل خویش



# از محتوی مترقی خود تهی گردند

# هوشاعر بزرگ

زیك و تنگ نظریهای قریب حد حرفای و كیفی شخصی را زودند و یورش ناچوانمردانه را ونه سازمان دادند ، یورش كه ۵ تن ، تازه گام نخست آنست .

بختگویان و گردانندگان مرمك ، نویسندهای ، «فاجعه ۱۱ دی» ، بان آن جلسه تمام كیفیتشده توده ای را به پناه سگان اصلی فكر و عمل شكار ساختند ، و يك مجمع فوق العاده را به صحنه نبرد آشكار علیه حزب بران بدل كردند . هر دیده بینائی كه اتهام «عزل از مواضع كانون» زی برای «آزادی بیان و اندیشه» هیچ جای واقعی در فكر آنان نداشت ، تنها دشمنی كور با حزب توده آنچنانكه راه و رسم همیشه لیس و ارتجاع و عمال آنها و دم ام ساوك و دربار پهلوی بود ، اینان نیز قلمب نامی اصلی و اقوی ست . رك گردنها را با بردن نام سیخ كردند و چشم پر خون نمودند بی رعب بیافرینند ، شرم آور بود ، بی داد ، افسوس كه گروهی نیز در اندند .

حزب توده ایران از این اعمال فشارها ، دشنامها ، اتهامها و جوسازیها زیاد دیده و شنیده و این آقایان كه دیر آمده اند باید بدانند كه حزب ما ، در مصاف با انواع انحرافات راست و چپ ، نما از ملكی ها تا قاسمی ها ، از نيك خواهها تا لاشیاء ها - همكاران برخی از این آقایان - بسیار دیده و هم ۳۰ سال زندگی دشوار مخفی را از سر گذرانده و از آسماجهای اصلی حكومت نظامی كودتائی شام آمریکا و سپس ساوك او بوده و دیده نیست كه از این بادها بلرزد . تر بچه های پوك درون كانون به عیب می خواهند زود بپروند .

۵ تن از بهترین نویسندگان ایران را از كانونی كه متعلق با آنها و محبوب آنها بود ، «اخراج» كردند و این نگاه بزرگ سازمان دهندگان این «اخراج» است . آنها «كانون» را بسوی تلافی بردانند ، این نگاه بزرگتر گردانندگان توطئه است . از اتحاد و همكاری اهل قلم و ادب و بیان در دفاع از استقلال و آزادی ، یعنی در مبارزه عظیم ضد امپریالیستی و خلقی و دمكراتیک جلوكوبی كسر نموده اند ، و این بزرگترین گناه آنهاست .

این توطئه و «اخراج» حاصل از آن

تنها مربوط به ۵ نویسنده و تنها يك مسئله درونی كانون نیست . اکنون همه جامعه روشنفكری ما ، همه مردمی كه با شعر و ادب انس و الفتی دارند و همه علاقمندان به سر نوشت انقلاب ما نگرانند .

**«مردم» (كه در جریان شبها ۱۱ دی ، بارها مورد لطف و آقايان قرار گرفت و البته از اينكه بطور بدیهی آتش در يك جوی با آقاسیان» تپروند ، خرسند است) خطابه ای را كه آقاسی محسود اعتمادزاده (به آذین) در جلسه ۱۱ دی ، بنمایندگی از طرف ۵ تن نویسنده و شاعر و مترجم در پاسخ به اتهامات گزارش گونه هیئت دبیران ایران كرد ، در زیر چاپ ميكند تا خوانندگان و همه مردم بهتر و بطور مستقیم با چگونگی رویدادها آشنا شوند .**

صدا بوده اند ، گفته شد ، میتوانست سوء تمبیرهای جدی را درباره انقلاب ایران به وجود آورد و مورد بهره برداری قرار گیرد... این راه بسیار خطرناك است و میتوانست موجب تفرقه گردد .

با اینهمه هیئت دبیران ، پس از وقفه ای کوتاه ، باز بهمان راه نادرست و خطرناك مخالفت با انقلاب ، در افتاد و این بار ، در محیط درگیری های خونی كه احتمال همه نوع تحريك و فتنه می رفت ، برنامه شیهای شعر خوانی و سخنرانی را زیر عنوان «آزادی و فرهنگ» پیش كشید و در تدارك آن ، جلسات عمومی روزهای سه شنبه كانون را به صحنه مبارزه جوی با واقعیت انقلابی ایران مبدل ساخت . کسانی آمدند و در پشت بیکروفتن ، با چاشنی تخطئه و تمسب و ناسزا ، شكست انقلاب را با خونسردی اعلام فرمودند ، قاضی را تسلط خواندند ، به آزادی تمام در مركز آزادی نوحه سردادند و حكومتیهای بورژوازی غربی را صمدیار بیتی و مترقی تر از حكومت انقلابی اسلامی وصف كردند ، بی آنكه كترین اعتراضی از سوی هیئت دبیران ، كه اداره كننده جلسات بود ، به گوش رسد .

برای آنكه حقیقت در پرده دروغهایی كه بهم بافته شد ، پنهان نماند ، می گوئیم كه ما با نفس پرگزاری شیهای شعر خوانی و سخنرانی هرگز مخالفت نداشته ایم و نداریم . بچنین سبب هم ، وقتی كه دوتن از ما برای شركت در «هیئت پرگزاری كننده» دعوت شدند ، بی مشایقه آمدم و خطیر بودن موقع ، لزوم تأمین نظم و این نكته اساسی را كه هیئت دبیران خود باید مستقیما مسئولیت كار را برعهده بگیرد و به هیچ دكمبته تدارك و غیر آن محول نكند ، یادآور شدیم . ظاهرا هیئت دبیران ادامه كار هیئت پرگزاری كننده را برای منظورهای كه داشت سودمند ندید و كار آنها بهمان يك جلسه پایان داد . با اینهمه ، با توجه به اهمیت حیاتی مسئله ، مرتباً در جلسات عمومی روزهای سه شنبه شركت كردیم ، و از سر وفاداری به انقلاب بزرگ خلق و دلسوزی درباره كانون ، كه بهر حال تا حدود زیادی پرورده رنج و كوشش و مبارزه خود ماست ، برای برهیز از تندروی های پرسشگویی كه میتوانست موجب تحريك گردد و بهانه بدست کسانی بدهد كه از سر تمسب كور یا در ارتباط با ضد انقلاب در بی فتنه انگیزی و حادثه آفرینی هستند ، آنچه را كه میبایست گفت ، بی اعتنا به سخنان زننده و ایرادهای نیشغولی و اتهامات نجسب ناروا ، گفتیم و مكرر گفتیم و ایستادگی كردیم ، زیرا وظیفه خود میدانستیم كه كانون را از راه لفران و پرخطری كه بدان سوق داده میشد ، باز گردانیم ، بی آنكه هیچگاه خود را از كانون و سر نوشت آن كنار بگیریم . گفتیم و مكرر گفتیم كه در جوهر این نكته سیاسی كه اینك حكومت ماست ، صلاح كار را در آن می بینیم كه پرگزاری شیهای شعر و سخنرانی به وقت مناسب دیگری موكول گردد . بودرمان حال ، گفتیم و مكرر گفتیم كه در صورت پرگزاری شیها در آن شركت خواهیم كرد و سخنرانی خواهیم داشت ، تا در جمع آوازه های مخالف ، بانك موافق هم به گوش برسد .

اما هیئت دبیران كانون و الهام دهندگان لبقته ، را نشناخته شده شان ، بجای تسلیم به منطق و اقیقت ، ما را كه در وفاداری به موضع اصولی همیشه خود در این نكته پافشاری می نمودیم كه كانون نویسندگان ایران نباید دنباله رو و مجری سیاست هیچ جبهه و جامعه و گروه و سازمانی باشد ، بی هیچ دلیلی ، جز دشمنی با حزب توده ایران و مخالفت كوتهمینه با قدرت انقلابی موجود و رهبری آزاده و آشتی ناپذیر ضد امپریالیست آن ، پس از ایراد انواع دشنامها و تشویر شده ساوك ، پدان متمم ساختند كه گویا سیاست حزب نایبرده را در كانون به اجرامی گذاریم و قصد سلطه جوی داریم ، - یعنی درست آنچه خود کرده اند و میکنند .

ضمناً ، این هم واقیعتی است كه اگر شیهای شعر و سخنرانی به فرم سرسختی و لجاجت هیئت دبیران و دیگر درست

گردانند ، بهین سبب هم ، در رابطه با احزاب و ی گوناگون لازم دیده شد كه متنی به نام «موضع نویسندگان ایران» نوشته شود تا راهنمای عمل كانون از آنجا كه مسئله بحث انگیز بود و نظرها متفاوت ، پس نظر در جلسات مكرر ، متن مربوط به موضع كانون نهایی خود در تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۵۸ به تصویب موسی رسید .

كار هیئت دبیران كانون ، تا فروردین ۱۳۵۸ ، اصل رآن بود كه خواستهای ویژه اهل قلم در پیوند و با مبارزات ارج گیرنده و برحق مردم ایران پیکری و رجاری بر پایه همكاری و تفاهم و اعتماد متقابل انجام بدهند و تحكیم و تكلیف مالاطلاق در میان نباشد . در اعضاء آن از اقباضی فكری و عقیدتی مختلف آمده اند و زمینه محدود و معینی - كه همان آزادی اندیشه و آزادی چاپ و نشر آثار و تضمین حقوق مادی و نویسندگان باشد - خواستهای مشتركی دارند ، خود بكاری اقتضای چنین روشی را در رهبری كانون دارد ملی چندساله نیز آنها تأیید ميكند . بر این اساس ، شماره این بود و هست كه تعادل درونی كانون و گردش مواز چرخهای آن بستگی بدان دارد كه هیئت دبیران كسی متوازن از نمایندگان مردمی و خوشنام و كارآموزه و بی باشد و اصل اتفاق آراء بر مبنای شورت و بحث و موافقت همه و هر يك از اعضاء هیئت دبیران در امور ت گردد .

در انتخابات ۳۱ فروردین اسامی ، با تمبیداتی كه گرفت ، این روش زیرا نهاده شد و آن تعادل درونی ، دبیران تازه كه در انكتریت خود سابقه فعالیت در نداشتند و حضور برخی شان حتی محسوس نبود ، اما ترك سدره بريك خط فكری و سیاسی معین و مخالفت سلامی برخاسته از بن انقلاب ملی ضد امپریالیستی ، را بهیم می یوست ، از همان آغاز با لجاجت تمسب آمیز ایه كشاكش و جنجال سیاسی آلوده ساختند . هیئت دبیران بجز هیئت نبرد انقلاب و ضد انقلاب زخم خورده ، به نام معك گروها - سر فطر از گرایشهای عقیدتی و نان ، - با هر صدائی كه در اعتراض به اعمال قدرت میخواستند ، هم آواز شد و با هر حرکت بهانه جویانه شد . به نام كانون نویسندگان ایران ، هیئت دبیران بویان پیشكام متحصن در دادگستری پیوست ، در جبهه دموكراتیک ملی و در رامبمائی آن شركت . محل كانون و ریاست آقای پیرام جلسه ای قریب ، در دست امثال رضا مرزبان و گویا برای مقابله با نیزم ، برای تشكيل چیزی به نام شورای هماهنگی اختلاف و سازماندهی فعالیت نمود ، هر چند كه به سبب بی از حد پارامی از شركت كنندگان توفیق نیافت .

ران ، با تبدیل جلسات عمومی روزهای سه شنبه به باقی در منقباتی و پر خاش و تبلیغ سوء بر ضد قدرت رهبری انقلاب ، از كانون ما مركز جمعی برای انواع انقلاب پدید آورد . هیئت دبیران ، كانون مارا به راهی از همه بابت خطرناك كشاند .

بن سبب ما خود را ناگزیر دیدیم كه در نامه مورخ ۳۰ ۱۳۵۸ به هیئت دبیران هشدار دهیم . در آن نامه نین آمده است :

رحله انقلابی كنونی ، استمرار آزادیها و تمبیم ، از آن جز در زمینه تحكیم و گسترش و تكمیل پیروزی فق پذیر نیست . امروزه ، وظیفه هر فرد خواستار آزادی راه استقلال كشور كمك به پیروزی نهائی انقلاب ملی ، هر نوشته و هر گفتار از سوی هر كس و هر گروه ، به اعتبار انقلاب داری میشود... پافشاری در تصور مانی آزادی ، بصورتی كه این سلاح مبارزه انقلابی دشمنان آشكار یا نهفته آزادی و انقلاب رها كند ، ست همگامی و اوجیانا همكاری یا ضد انقلاب ميكشاند... در يكی از جلسات هفتگی كانون در حضور نمایندگان یون آلمان سردار ، كه مشغول فیلمبرداری و ضبط

اندر كاران پر گزار نشد ، نه بملت مخالفت ما ، كه آقایان توجی بدن نداشتند ، بلکه به سبب آن بود كه وزارت كشور از تضمین امنیت این شیها سر باز زد و مسئولیت هر گونه حادثه احتمالی را تلویحا به گردن هیئت دبیران گذاشت . از آن گذشته ، مسئله اشغال جاسوسخانه آمریکا در تهران ، به همت دانشجویان مسلمان بیرو خط امام ، چنان محیط پرهیجان انقلابی و ضد امپریالیستی در سراسر ایران پدید آورد كه هیئت دبیران كانون بیش از این جرات آن در خود نیافت كه همچنان درباره پرگزاری شیها لجاجت ورزد . حتی ، در بی متن تلگرامی كه در رابطه با اینكار انقلابی دانشجویان بیرو خط امام ، ما چند تن به حضور امام ارسال میداشتیم و در جلسه روز سه شنبه كانون پیشنهاد كردیم به بحث گذاشته شود و همه پدان بیبوندند و هیئت دبیران كترین توجی نمود ، آقایان خود را ناگزیر دیدند كه ، بمنظور فریب افكار عمومی و سرپوش گذاشتن بر سابقه مخالف خوانیها و حملات پیوسته خود بر ضد انقلاب و رهبری آن ، اعلامیه ای در تأیید ضرورت دانشجویان عزیز ، به نام كانون نویسندگان ایران صادر كنند ، - و آیا صادقی است كه در سراسر بیامشان يك بار هم نام امام كه دانشجویان خود را بیرو خط ایشان می خوانند دیده نمیشود ؟ - به دنبال آن ، اعلامیه ای به نام كانون و بهامضای هیئت دبیران به در دیوار چسبانده شد و در خیرنامه كانون نیز به چاپ رسید كه در آن ضمن حاكی به ما و به حزب توده ایران و يك رشته دروغ پشیمانانه برای توجیه تعلیق عضویت ما ، پرگزاری شیهای شعر و سخنرانی به روزی موكول می شد كه ملت ایران از كوره مبارزه با جهانخواران امپریالیستی بیرون آمده باشد . بدین سان ، هیئت دبیران زیر فشار واقیعت درست همان چیزی را اعلام می كرد كه ما می گفتیم ، منتها به زبان دیگر و با تاختیر و تاسفی آشكار . ولی این همه مانع از آن نشد كه هیئت دبیران همچنان در بی كینه توری باشد و مارا را بدیده بچم بی بی بی درست و راحتمانی شفتت آمیز - تنبیه فرماید . اما حقیقت آن است كه هیئت دبیران ، برای آن كه محیط كانون را در دست در اختیار خود بگیرد و از این پس به هیچكس مجال اعتراض ندهد و آن كند كه خود و الهام دهندگان دور و نزدیکش می خواهند ، با تملق عضویت پنج نویسنده و شاعر و مترجم سرشناس ، در بی گرفتن زهر چشم از اعضاء كانون برآمده است . براسستی شرم آور است كه رويه بیرون و بمنظور بهره گیری سیاسی در جهت خلاف حرکت توده كانون انقلابی ایران ، آقایان مدام سنگ آزادی اندیشه و بیان و قلم به سینه بزنند و در داخل كانون چنین بیدرو راه را بر عقیده و بیان آزاد ببندند . و هر چند كه مسئله هنوز مطرح نشده است و در وقت خود به تفصیل بدان خواهیم پرداخت ، نكته سراسری به اسامنامه پیشنهادی آقایان نشان میدهد كه در این متن ، كه از نكته اشاره ای با انقلاب ایران و لزوم تلاش بیکر اهل قلم برای تحكیم و گسترش آن نمی كند ، تاچه حد در تفویض اختیارات دیکتاتورانه به هیئت دبیران مبالغه رفته است . آقایان خواب نظم سر بازخانه در كانون می بینند و گوی خود را برای همیشه بر سر نوشت كانون حاكم می پندارند .

**خانها و آقایان**

اکنون ما و شما در مجمع عمومی فوق العاده كانون حضور داریم ، كه مجسمی است ما جبردار و برخوردار از همه اختیارات و حق تصمیم گیری . مسئله ای كه به مشاورت شما گذاشته شده آن است كه این پنج تن : محمود اعتمادزاده (به آذین) - سیاوش گمرانی - هوشنگ ابتهاج (سایه) - فریدون تنكابنی - مهدي قلی پرومند (ب) . کیوان) در پافشاری بر عقیده خود و تکرار این هشدار كه مبادا با اقدامی نسنجیده در محیطی تحريك شده ، كانون ما به خطر افتد و انقلاب هم با درگیری های تازه ای روبرو شود ، برحق بوده اند یا نه ؟ آیا چنین هشدار تنها در اجرای سیاست حزب توده ایران می تواند داده شود ، یا هر عضو وفادار به سر نوشت كانون می تواند در از این حواوت و احوال به ضرورت این كار كار برسد ؟ آیا در تعلیق عضویت این پنج تن مصالح كانون در نظر گرفته شده یا كینه توزی شخصی و سیاسی محرك آن بوده است ؟ آیا تعلیق عضویت در موارد اختلاف نظر با هیئت دبیران و حتی تملیق را نقض كنید ، آیا كار هیئت دبیران را اشتباه ساده و قابل گذشت خواهید دانست یا سوء استفاده از اختیاراتی كه به آنان تفویض شده است ؟ در صورت اخیر ، آیا نباید در صلاحیت آقایان یلفانی ، پیرام ، ساعدی ، خوشی و شاملو برای ادامه عضویت در هیئت دبیران كانون نویسندگان ایران تردید كرد ؟

**خانها و آقایان**

ما اعلام می كنیم كه به حق طبیعی هر يك از ما به آزاد بودن در اندیشه و بیان و آزاد بودن در انتخاب مشی سیاسی خود به بدترین وجهی از سوی هیئت دبیران تجاوز شده است . افزون بر آن ، هر در جلسات عمومی كانون و هم در روزنامه ها و مجلات ، آقایان و هندستانشان انواع ناسزا و تمسب ها بر ما روا داشته اند . گستاخی و بددینی ، و همچنین آلوده قلمی كه از سرچشمه حسد و كینه آب می خورد ، هر گونه همبستگی صنفی اهل قلم را نقض می كند ، و در این مورد بخصوص ، وحدت كانون را به بعد دردم می شكند و باید قاطعانه محكوم شود .

از آنجا كه مسئله مورد بررسی و مشاورت شما هم اصولی است و هم حیثیتی ، ما به هیچ وجه نمیتوانیم یادادیمانی و كدخداسنی و دعوت به سازش ، كه جز لوث كردن قضیه و كاستن از اهمیت آن نیست ، موافق باشیم . از نظر ما ، چنین كاری طفره رفتن از قبول مسئولیت و فرار از رویارویی با واقعیت انقلاب ایران است . همچنان كه در مقیاس سراسر كشور ، در درون این كانون باید صف انقلاب و ضد انقلاب مشخص گردد . امروزه خط انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی ایران همان خط امام خبیثی است . كانون نویسندگان ایران باید موضع خود را در این باره به روشنی اعلام كند .

از آنجا كه مسئله تعلیق عضویت ما پنج تن و رای شما پس از رسیدگی به این مسئله ، هر دو نمودار موضع گیری اهل قلم در برابر انقلاب ایران است ، ما بر این عقیده راسخیم كه این رای ، امم از آن كه نسبت یا منفی باشد ، راه آینده كانون نویسندگان ایران را ترسیم خواهد كرد . پس درست بسنجید و رای بدهید . شمارا برای همین به این مجمع فراخوانده اند .

به «آهوبره» های كانون نویسندگان ایران ، با استقبال از شعر «تعلیق» سیاوش گمرانی

# آهوبره

دشتی بزرگ ،  
سرابی بزرگ  
با وزه های سبز  
و خانه های سبز  
و چشمه های سبز ...  
آهوبره ،  
زیبای مهربان  
پاچشمهای سبز  
و گامهای شاد  
بیراهه می رود به سراپ آباد  
در پیش پای او تلهها

آهوبره ،  
چند ز رفیقان  
وز خیل مردمان  
مسحور خوشه های نازك گندمزار ،  
صیاد ،  
با دهان پر از واژه  
خف کرده پای پرچ سفیدی  
پی در قلام نفرت  
آواز می دهد :  
یاران پردبار !  
آمد شكار !

من ایستاده ام  
پی در پی شبان  
در قلب من تكاتك سبهای آهوان  
فریاد می زنم :  
آهوبره ،

چشمانشان  
خاكستر است  
از آتشی كه مرده در این خاكدان  
پوك است نامشان  
آهوبره ،  
بیا به تماشاشان :  
خاكستر است قلمپاشان  
خاك است  
قلبشان

كانونشان  
كانون خفتگان  
كانون مرگ ، فراموشی  
كانون همصدایی گرگان و برگان  
در راندن شبان ...

لبخند می زنند :  
رجانكان  
و دلنكان خیمه شب بازی  
و این هزاران طعمه رنگین تویی  
كه رویه باغ «صیون»  
دل با خلتن زاران می پندی  
آهوبره ، بگو به كجا می روی ؟

آهوبره ،  
شبان تو پيكار می كند  
راه تورا  
بی آنكه خود بدانی  
تا جایگاه امن  
هموار می كند

آهوبره ، سمندر بازیگوش !  
دل داده ساده پا  
افسون چین و ماچین  
و اسپهای چوبین  
و رخسار شعله های فریبنده  
در قامت مجسمه تاریك  
ای جان من ! فریب تو پيكار را ،  
دشوار می كند

آوازشان  
خاكستر است ، هموازشان  
خاكستر است ....  
آهوبره ، چگونه چراگاه را  
از تیفزار نمی بینی ؟  
نی زار را  
از نیزه بار نمی بینی ؟  
آهوبره ،  
بگو به كجا می روی ؟

آهوبره ،  
با گامهای شاد  
مسحور خوشه های نازك گندمزار  
بیراهه می رود به سراپ آباد  
در پیش پای او تلهها  
بسیار

جلال سرفراز  
۱۲ دی ماه ۱۳۵۸



# گر امید داشت خاطر هرفیق علی امید در دانشکده نفت آبادان:

## تاکهای امپریالیسم در برابر اراده زحمتکشان قوطی کبریت میشود

رفیق کارگر: علی امید در زندان نیز بدستگاه دیکتاتوری رضاخانی در مقابل شکنجه آرائی کسیر و فرخی زودی و سایر زندانیان بارها باشجاعت کارگری اش اعتراض کرد.

بریده سالن این شهر به حاضران چهره‌های امید را بیختر می‌نمایاند. علی امید، انداز طایفه مفتخوران است. امید، جنگس گوشه‌ها کارگران است. روزی از پرده، این شمار، جمیت در پیش ازین همسود می‌دهد.

وایه انقلاب! شعی در سراسر سالن حضور دارد. پریش خنده گرمی است. باختر سرود حزب، همه‌ها می‌خیزند و شبع در پیشانی همه استرازمه تا اوج و از اوج تا زمزمه، همراجمیت سرود می‌خوانند. حضورش را همه حس کرده‌اند. در تمامی بدستگاه سکوت همه به افکنی می‌کنند و اردا می‌یابند، از علی امید است. در سالن دانشکده نفت آبادان، مراسم ششمین سالگرد درگذشت از به هجرت دانشجویان مسکرات دانشکده نفت آبادان برگزار می‌شود. در ابتدا یکی از کارگران جوان پالایشگاه نفت آبادان پشت تریبون قرار می‌گیرد و سخنان خود را زیر عنوان «علی امید، فرزند خوزستان» آغاز می‌کند.

رفیق وقتی به تریبون می‌آید، باختر علی امید می‌نماید. در واقع، تاریخچه مختصر مبارزات کارگری ایران را در می‌شمارد. این خود نشان دهنده پیوند گسست ناپذیر زندگی امید با مبارزات کارگری بود. رفیق کارگر سخن پرشردن خصوصیات امید می‌گوید. «جواب او به شکنجه‌گران یک جمله بود، زنده باد کارگر!»

رفیق کارگر ادامه می‌دهد: «علی امید در زندان نیز بدستگاه دیکتاتوری رضاخانی در مقابل شکنجه آرائی کسیر و فرخی زودی و سایر زندانیان بارها باشجاعت کارگری اش اعتراض کرد. در پایان، رفیق کارگر به نقش طبقه کارگر در دوران انقلاب و سخن عالی‌مبارزات و سخن سیاسی نیم قرن این طبقه می‌پردازد و با پرشردن و دنباله کردن سیر جنبش کارگری همه از کودتا نشان می‌دهد که کارگران هرگاه باختر شکنج گریز افکندار گزناگون مبارزاتی هرگاه باختر شکنج گریز افکندار لفظه مین تاریخ را عمل تابع انقلاب خود، ضربه زایی به دشمن و اندک‌اندک کارگران این حکم علی

امید را به اوقات رساندند که می‌گفت: «در مقابل اراده زحمتکشان تاکهای امپریالیسم تبدیل به قوطی کبریت خواهد شد.» رفیق، سخنان خود را با این شاد به پایان برد. «چرا باید با او بدین امید، زنده استوار راه کارگران ایران، عضو حزب توده ایران، سکر درین مبارزات مردم نبرهان ایران!»

سپس یکی از رفقای، قرائت شعر آمریکا آمریکا سروده سیاوش کسری، شاعر انقلابی و مردمی حماسی پرداخت. و ساز فریاد برداشت، موزیک بر آمریکا، موزیک بر آمریکا.

آنگاه در میان کف زدنهای مسته و پرشور، رفیق هاشم بنی‌طرفی پشت تریبون قرار گرفت. شاد، درود بر کمیته مرکزی حزب توده، سالن را فرا گرفت. شیخ با دهان تمام جمیت شاد می‌داد.

رفیق بنی‌طرفی با شله از رخه یاد امید سخن آغاز کرد. از تلاش و خرد امید در رهبری اعضایی کارگری و مکتب‌ها و از سخنان آتشین و دلنشین امید یاد کرد. آنگاه گوشه‌هایی از خاطرات خود را که مربوط به رفیق فقیه علی امید در زندان میشد، بازگو نمود. سپس از شرایط حساسی که ما در آن بسر می‌بریم سخن داد و افزود:

«از خطبه امپریالیستی و خلقی انجام حمایت کنیم، در راه کشف خرابکاران و افساد نام‌موافق ساواک مبارزه کنیم.»

رفیق بنی‌طرفی در وقت دیگری از سخنان خود تأکید کرد: «اکنون مبارزه با امپریالیسم، بر سرگرمی امپریالیسم آمریکا، آن حلقه درشت و عمده در میان سایر حلقه‌های مسائل اجتماعی است که با حل آن حل سایر مسائل هموار می‌گردد و بدون کشودن آن هیچ حلقه‌ای از حلقه‌های اساسی جامعه ما کشودن نتواند شد.»

عصر تابودی امپریالیسم رفیق بنی‌طرفی سخن ایران از این امر که «عصر ما عصر تابودی کامل امپریالیسم، میهن‌پرست‌تر از دهرستی دهره‌کنی انسان از انسان است»، سخنان خود را با این شاد به پایان برد.

سندیکای کارکنان بانک پانک ایرانی... سندیکا می‌کوشد با هواداری کامل، مشکلی بر مشکلات موجود نیافزاید.

رفیق هاشم بنی‌طرفی: اکنون مبارزه با امپریالیسم، بر سرگرمی امپریالیسم آمریکا، آن حلقه درشت و عمده در میان سایر حلقه‌های مسائل اجتماعی است که با حل آن، حل سایر مسائل هموار می‌گردد و بدون کشودن آن، هیچ حلقه‌ای از حلقه‌های اساسی جامعه ما کشودن نتواند شد.

«بروز یاد اتحادیه‌های ضد امپریالیستی ایران در جبهه متحد خلقی، پس از قرائت قطعه «وقتی نفاقها بصدای در می‌آیند» توسط یکی از رفقای دانشجو، رفیق کارگر عزیز بهارلو، سرود علی امید، در حالیکه جمیت شاد می‌دادند، درود بر کارگر توده‌ای، سخنان خود را آغاز کرد.

رفیق بهارلو سخن سیاسی از رهبری انقلاب و تمامی شهادت این امکان را برای اوست کرده‌اند که امروز بتواند در حضور عزیزانش سخن بگوید. گفت: این سخن را که می‌خوانم مربوط به شخص خود نیست مربوط به حزب توده ایران است که ما چه بپوشیم و از ما چه ساخت.

بوم آرزوی من از طایفه تاک نشان کله‌آزک، نشان بود و نه از تاک نشان رفیق بهارلو در دستگی از سخنانش گفت: «اولین دسی که از علی امید گرفت، این بود که کله‌آزک را کنار بگذاریم و به یکدیگر بگوئیم رفیق.» وی سپس از جزئیات و دست‌هایی که بر کارگران رفته و می‌رود و در بدنه‌ها و آنچه که حزب در مبارزه برایشان کسب کرده، سخن گفت.

رفیق بهارلو فریاد برداشت: «هنوز ما مردم نیستیم، حزب توده ایران بسه بیست هزار کارگر پالایشگاه دستور داد. خوشی نیست به بیست هزار کارگر دستور داده، عضویت کارگر بالاتر از آنست که از پالایشگاه چیزی بردارد. آخر کارگران تنه می‌آورند برای تهرخانه‌شان، جوت (تکه پارچه‌های نخی‌ای که با آن دست درختی را پاک می‌کنند) می‌آورند، حزب دستور داد و دیگری نماند شد. هیچ کارگری، هیچ چیز، دیگری نماند. آری، حزب توده ایران خیلی حق به گردن ما داد. به ما نصیب داد.»

جمیت رفیق را با شادای بر دربی درود بر توده‌های تهران، بدنه کردند. در این مراسم اسلاید جنبش جهانی کارگری به نمایش درآمد و در پایان جمیت سخن‌دادن شاد «زنده باد جبهه متحد خلقی» جمیت درود بر کمیته مرکزی حزب ماه سالن را ترک کردند.

شیخ دیگری شمع نبود. در قامت بلند رفقا به اعناق اجتماع میرفت.

سندیکای کارکنان بانک پانک ایرانی... سندیکا می‌کوشد با هواداری کامل، مشکلی بر مشکلات موجود نیافزاید.

سندیکای کارکنان بانک پانک ایرانی... سندیکا می‌کوشد با هواداری کامل، مشکلی بر مشکلات موجود نیافزاید.

### کارگران کارخانه کوکائولا و کانادادری رشت: اعتصاب و کاستن از تولید عملی ضد انقلابی است

نامه زیرین به دفتر مردم رسیده است. «ما کارگران کارخانه کانادادری و کوکائولا رشت به تحریکات مدهای مغرض و مزدوری که در زمان رژیم مغفوری پهلوی از طرف صاحبکارخانه تطبیق می‌شدند و به طرد غیر قانونی از مزایای ویزای برخوردار بودند به تنگ آمده‌ایم.

این عده به اتمام مختلف سعی دارند کارخانه را با دادن بهانه به دست کارفرما به تعطیل بکشند. به همین دلیل برای کم کردن تولید تلاش می‌کنند. ما به طور نسبی از مزایای قانون کار برخورداریم و اخیراً سود ویژه نسیال اول را دریافت نمودیم. برای عده‌ای از ما سیستم طبقه بندی مشاغل پیاده شده، که امیدواریم بتدریج برای سایرین نیز چنین شود. و همچنین از شرکت تعاونی ایجاد شده توسط خود، با داشتن «دفترچه عضویت در شرکت، لوازم مورد احتیاج خود را تهیه می‌کنیم.

ما ملی‌نمایی به دفتر امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران، از آن عده مشکوک شکایت نمودیم و تقاضای خودمان را جهت رسیدگی اعلام داشته‌ایم تا تکذبات ناراضی تشدید شود و کارگران نسبت به انقلاب اسلامی بدین شوند. دشمن عناصری که منافقان در خلعت، خود را می‌پوشانند و در مقابل این شرکت را متعل اعلام کرده‌اند و دست از دسیسه‌های بر نمی‌دارند و هر روز در اثر کم کردن تولید به ناراضی بین مردم دامن می‌زنند. اگر ما تقاضای یا ناسوائی داشته باشیم، با اعتقاد داریم در شرایط فعلی اعتصاب و کم کردن تولید آب به آسیاب شد انقلاب رخنه است و ما می‌توانیم با پشتکار، هم از نظر کم نکردن تولید، هم بیکری منطقی برای بدست آوردن مطالباتمان به خواستهایمان برسیم.

مردم ما از مسئولین امر خواستار رسیدگی به اعتراضات این کارگران آگاه و مؤمن به انقلاب، و در صورت صحت، اقدام فوری در این زمینه هستیم.

سوسه پاکارخانه و یاهرواحد دیگری را که مجتمع نیروی گمار است بدون استثناء و بطرف خواست های مشترک آنان در کنار هم قرار دهیم بدون آنکه با طرح مسائل عقیدتی و سیاسی و اصرار بر آن تنگ نظرات، بطور صریح و آشکار، دوجبات تمتت، تفرقه و تشییع موقعیت صغری و چشمانی کارکنان را فراهم ساخته و موضع گیری‌های خاص و تصمیم‌های رایج ایجاد نماید. با این همه، سندیکای می‌تواند با حفظ موقعیت خود، با هرگونه نهادهایی که از اسامات کار و زمینه های مردمی و شواهد قانونی برخوردار باشند - همکاری و همکاری لازم را بر اساس نظام منطقی و وظایف مشخص پس از آرد و حجت به‌دیده گزونی سندیکا تازمانی که از حمایت اکثریت اعضاء و مراجع قانونی، برخوردار است - آماده خود را برای همکاری متقابل با هرگونه نهاد های اصیل اجتماعی، اعلام می‌دارد.

این سؤال کلی، که نقش سندیکا در شرایط کنونی چیست - پاسخ ساده و یار دیگر تکرار می‌کنیم که نظامی کهن و سندیکای دردم ریخت نظامی ما که پیام آوری آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی بود - شکل گرفت.

مبارزه راهی‌پیش مردم ایران علیه ازجمله، دیکتاتوری و امپریالیسم، مرحله مهمی را پشت سر گذاشته و دست گیری پسوی استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، راه می‌گشاید. راهی که اختیار دانشجویان خط امام پیروند، پیروز مردم ایران و یکبار دیگر در جبهه متحد ضد امپریالیستی متشکل سازد. شعله های جنگ داخلی در بخشی از زمین ما، به‌خوشی می‌گرید.

### از طرفی یکبارگی، گران، هزینه زیادگی، احتکار، خروج ارز، قطع معاملات دلار، آهنگ کند تولید، کم کاری، اختلال، اعتصاب، تشییع و توقف در برخی از رشته های تولیدی و صنعتی، در موقعیت اجتماعی و اقتصادی کشور را تهدید میکند و خلاصه آنکه ضد انقلاب در کمین است و امپریالیسم در مقابل.

در چنین شرایطی: الف - حدود اختیارات و وظایف مدیر عامل بانک بیمه و بانک منحصراً ب - تکلیف مدیران سابق بانک نامعلوم، ج - عناصر و عوامل مرتبط با گروه مدیران سابق، مصدر کار، د - دستور العمل‌های صادره شورای عالی بانکها، با اشکال، ه - اقدام بانکها با تاخیر، ز - تغییرات بی دردی مقامات مسئول بانکها و دولتی و مشکلات ناشی از آن و موارد مشابه دیگر، این سؤال را به ذهن متبادر می‌سازد که مسئولیت‌های ما چگونه است؟

آیا، بیم ریختگی را تشدید کنیم و از گناه، گوهی بسازیم!! آیا، ناآگاهانه و به زعم خویش، انقلابی عمل کنیم!! آیا، مسائل کلی جامعه را از دیدگاه فردی و منافع شخصی بنگریم!! آیا، باطل یک پایه یا فرضا یک گروه تاگرفته به‌عه کس و همه چیز، بشام دمیم!!

آیا، تقویه حسابهای شخصی و تنگ نظریه را اعمال نمائیم!! آیا، همه چیز و همه کس را با طوفانی بنوائیم و آیا...!!

آیا، در مرحله گزونی انقلاب ایران، آهنگان شیوه‌ها و عملکردهای مورد نیاز است که راهی را که انقلاب از میان خون و آتش، آغاز نمود - علی‌رغم همگان رسانید و موضوع را به موقع به

### در سندیکای کارکنان بانک بازرگانی چه می‌گذرد؟

سندیکای کارکنان بانک پانک ایرانی... سندیکا می‌کوشد با هواداری کامل، مشکلی بر مشکلات موجود نیافزاید.

سندیکای کارکنان بانک پانک ایرانی... سندیکا می‌کوشد با هواداری کامل، مشکلی بر مشکلات موجود نیافزاید.

سندیکای کارکنان بانک پانک ایرانی... سندیکا می‌کوشد با هواداری کامل، مشکلی بر مشکلات موجود نیافزاید.

سندیکای کارکنان بانک پانک ایرانی... سندیکا می‌کوشد با هواداری کامل، مشکلی بر مشکلات موجود نیافزاید.



### گفت و گو با ۳ هزار مجروح انقلاب:

# اینها از دروازه شهادت بازگشته اند...

کلامشان شعرزم است و نگاهشان سرود عشق. قهرمانان گمنام انقلاب، مجروحان، این فاتحان انقلاب، گرد هم جمع شده اند.

رزمندگان سنگرهای نبرد با دیکتاتوری و امپریالیسم، از دروازه شهادت از خاور و پساختر، از شمال و جنوب گرد آمده اند.

دست خونین آمریکا، این یکی را در خراسان بخون کشیده، دیگری را در خوزستان به گلوله بسته، سومی را در تهران زیر تانک گرفته و چهارمی را در جهرم در خون خویش غوطه ور کرده ...

ایستادن، این سه هزار گسل خونین، که بنمایندگسی صدها هزار مجروح انقلاب ایران در تهران گسرد آمده اند، بر گوشت خویش سرب داغ امپریالیسم را حسی کرده اند. اینان شقایق های خونین انقلاب ایرانند که انقلاب و خون را، جنون امپریالیسم را، در پشت سنگرها لمسی کرده اند. اینان از دروازه شهادت بازگشته اند، همان دروازه که هفتاد هزاره بر غرق در سرب و خون داشت.

اینان، اکنون زنده اند. این فاتحان انقلاب همگی از اعماق اجتماعند. از قلب پاره پاره توده ها آمده اند. اینان از روزهای سرخ انقلاب بازگشته اند. آن روزهایی که همه جان بر کف در سنگر اتحاد و رزم با دشمن خلق می رزمیدند.

ما در میان نشان هستیم. نگاه خلقی خویش را، که از آموزش آتش و خون گذشته و شبیح شهادت را زیارت کرده است، به ما میدوزند و از دهانشان چشمه های زلال ایثار میجوشد.

کوش کنیم این شهید زنده، زن جوانی است که سخن می گوید.

#### اعدام در کوچه بن بست

«من خیر نساء سیفی ام. ۳۶ سال دارم. قبل از تیر خوردن مستخدم آموزش پرورش بودم. شب دوم من ساعت ۱۰ بود که ما از خانه مان در نظام آباد رفتیم بیرون. جمعیت کثیری بود. همه اقا کبرگوبان به طرف میدان شهدا در حرکت

بودند. ناگهان سربازها حمله کردند. مردم هم شروع به دویدن کردند. من هم مثل دیگران فرار کردم. ناگهان متوجه شدم بادونتر دیگر هم در یک کوچه بن بستیم دیگر هیچ کاری نمیتوانستیم بکنیم. سربازها پشت سر ما بودند. ما حسابی گیر افتاده بودیم. به ما که رسیدند، فرمانده آنها داد زد، «امشب همه توو میکشیم. اشید دیگر از اون شبها نیست.» و بعد ما را به رگبار بستند. با همان اولین رگبار، بین مردمی که با من بود، به زمین افتاد. من وقتی به خودم آمدم که شکم پاره شده بود. روده هایم ریخته بود بیرون دیگر اختیارم دست خودم نبود. روی زمین افتادم. فرمانده نزدیک شد. میخواست با لنگه ما را بزند. من گفتم، «به کجا می خواهی بزنی؟ مرا که به این روز انداختی.»

سربازها از فرمانده پرسیدند، «چکارش کنیم؟» او گفت، «بگذارید آفت در اینجا بماند تا بهرند.» اما سربازها، که بعضی هایشان خیلی انسان بودند، ما را سوار ماشین کردند و بردند به بیمارستان لقمان الدوله. آنجا دکترها تشخیص دادند که دوتا تیر به من خورده. یکی توشکم، یکی تو لگنم. روی شکم سه بار جراحی کردند. ۶ ماهه بستری شدم. در بیمارستانهای مختلف جراحی، سادت آباد و دیگری بیمارستانها، اما هنوزم که هنوزم، حسالم خوب نشده. شوهرم خسته شده است. از این که مرا اینور و آنور برده است. اما خوب، اینها مهم نیست. مهم اینست که ما بیروز شدیم. الآن وقت ساختن مملکت است. باید همه کارها درست بشود.

تنها چیزی که من می خواهم اینست که از ستاگری راحت بشوم. چون من ۴ تا بچه دارم و ۲۶۰۰ تومان اجاره می دم. تا حالا هم چند بار برای کمیته درخواست داده ام که بمن کمک کن. اما آنها به ما رسیدگی نمی کنند. کمیته حرف امام را اجرا نمی کند. امام مگر نگفته است که به خانواده های شهدا و هم چنین زخمی های انقلاب ما ما نه کمک بشود؟ من دیدگی زخمی های انقلاب که از کم آمده ام می خواهم که کمیته به خواسته های ما رسیدگی کند.

#### آمریکا، مسبب همه جنایات

جوانی با پای کج گرفته و دستی در دست کرده ، که آثار شکستگی در آن دیده میشود. تنها ، زیر آفتاب درخشان در وسط حیاط، روی سکویی کنار چرخ آهنین توب جنگی، به یادگار مانده از گذشته ، غرق در افکار خویش است نامش محمد تماکویی است. ۱۹ سال دارد. سال گذشته، در ۲۲ بهمن، در اوج مبارزات مردم ایران ، در یادگان عشرت آباد از ناحیه دست و پا آسیب دیده است. می گوید: «انقلاب ما انقلابی مردمی بوده است که

هیچ گروه مشخصی در آن وجود نداشت. همه گروهها در آن شرکت کرده بودند. در این انقلاب وقایع زیادی رخ داده است که مسبب اصلی آن آمریکا نبود و البته شاه، که عروسک خیمه شب بازی در دست آمریکا بود و دستورات آمریکا را انجام می داد. به نظر من انقلاب ایران باید به طبقه کارگر برسد و توجه اش طبقه زحمتکش باشد.»

#### دستم قطع شد و روی زمین افتادم

زنی تنگ با پیشانی گداورده. چشمان غمناکیز مهربانی داد. با شوق وصف ناپذیر شروع به سخن می کند. این گویوی مجاری است که بر ایمان حرف می زند، «من ۳۵ سال دارم. قبل از تیر خوردن کارگاه خیاطی داشتم و کار می کردم. اما حالا نمی توانم. شوهر من ۱۴ سال پیش فوت شده است. ۷ تا بچه دارم. یکی از بچه هایم همای است. تیر خوردن من هم به خاطر او بود. شب ۲۱ بهمن بود. همان شب که گاردیها به نیروی هوایی حمله کردند و وقتی من رفیدم که آنها حمله ور شدند، ترسیدم. بلند شدم رفتم یادگان. اما موفق نشدم بروم تو، یکی از سربازها که همراه بود گفت، برویم خانه برادرم که نزدیک یادگان است، تا صبح زودتر بتوانیم برویم یادگان. من هم قبول کردم. ساعت ۶ صبح بیدارم که من به سرم محکم گفتم و بلند شو

برادرم ساخته بود. هر دو پایش را از دست داده است. می گوید، «خواست من این است که برای مستضعفین خانه بسازند و در روستاها جا بسازند تا روستائیان بتوانند به کتب خود ادامه بدهند.»  
یدالله قدیریان، از اهالی اصفهان، از مجروحان انقلاب است. در روزهای حکومت نظامی اصفهان به همراه دو تن از دوستانش، هنگامیکه سوار بر موتور بوده اند، مورد اصابت گلوله های درخیمان شاه قرار گرفته اند. در دوستش دردم کشته شده اند و خودش هم قتل شده است. می گوید، «توقع زیادی ندارم. اگر خوب شدم که هیچ بدنیال کارمان می رویم. ولی اگر خوب نشدیم، فقط می خواهیم که به شوهر ما رسیدگی کنند. از زمانی که زخمی شدم تا بحال خرج من و زوز فرزندم بر عهده پدرم بوده است. پدرم یک قطعه زمین داشت که فروخته و حالا پول آن در اختیار زنده گومان می کنیم. البته تا حالا خیلی پیشنهاد کردند که به کمیته امام مراجعه کنم، ولی من روی مراجعه کردن بد آنجا ندارم.»

#### گلوله در چشم دخترک

منصوره پیروزادیان، کودک ۱۳ ساله و متصل کلان اول از گل های خونین انقلاب است با مادرش صدایه متضدنی از قم آمده است. مادرش می گوید، «پارسال سوم من بود. جوانها در خیابانها شام میدادند. منصوره و من هم رفتم



نارنجکی که برای مبارزه با طاغوت ساخته بود، هر دو پایش را قطع کرد. می گویند: برای مستضعفین خانه بسازید.



فراول از دست راست، زنی است که در نظام آباد از ناحیه شکم تیر خورده

که کمی بکنم، برای آنها جای می برد. خوب یادم است. شب ۱۲ شهریور بود. مرتب از دروازه های تیراندازی می آمد. ساعت ۱۲ من برای بردن جای بیرون رفتم. ناگهان پایم تیر خورد، مرا بردند خانه. چون حکومت نظامی بود و نمی توانستند مرا ببرند به بیمارستان. تا صبح از درد به خودم می پیچیدم. صبح مرا بردند به بیمارستان نیکویی قم. ۵ روز اونجا خوابیدم و چندین ماه تحت نظر دکتر بودم. من توی خانه ماشین بافتی داشتم. اما حالا نمی توانم کار کنم. اینرا بگویم که از طرف کمیته به من هیچ کمک نمی شود. من می خواهم که بمن کمک کنند. یکی دیگر اینکه شادرا دستگیر کنند و برای محاکمه به ایران بیاورند. ما آمریکارا مسئول میدانیم. به قول امام خمینی تمام بدبختی های ما از امریکاست.»

#### مامعلول نیستیم

محمد حسین دلایل باشی (ناروغ التحصیل مدیریت و امور بازرگانی) که نماینده مجروحین اصفهان است، به سوی ما می آید. می گوید: «چرا بعضی از روزنامه ها به ما مملول میگویند؟ ما که مملول نیستیم. من خودم تیر خورده ام و کمی هم از ناحیه پا ناراحت هستم، ولی به هیچ وجه مملول نیستم. من از ملت قهرمان ایران می خواهم که دیگر به ما مملول نگویند. هر آنس که میخواهند بگویند، فقط مملول نگویند.»  
اوسیس چندخواست راه بنایندگی از طرف مجروحین اصفهان اعلام میکند.

«از شورای انقلاب و از امام می خواهم که جامعه مجروحین تشکیل شود و تشکیلات این جامعه را نیز خود مجروحین بدهند بگویند، نه اینکه کسی را سر کار بگذارند که مملول نیست از کجا آمده تا برای ما کار انجام بدهد. ما می خواهیم که فرمان دایمست خودمان بسازند. ما خواستار گردهمایی سالانه مجروحین انقلاب هستیم.»

برویم سر وقت محمود (هاسفر). سوار ماشین شدیم و رفتم یادگان. محمد به من گفت، توی ماشین بمان. من هم ماندم.  
در این موقع ۴ تا اتومبیل پر از سربازهای گاردی سرسپرده شروع به تیر اندازی کردند. من دیدم که توی ماشین جای من نیست. پیاده شدم و رفتم تو پیاده رو کنار من ۴ تا خبرنگار خارجی ایستاده بودند. سربازها هم بگاز نبودند. تیر اندازی کردند. یکی از خبرنگارها به زمین افتاد. من رفتم کمکش کنم که دیدم دستم حرکت نمی کند. دستم از کتف قطع شد و روی زمین افتادم. دستم را برداشتم و فرار کردم. سربازها سوار اتومبیل شدند و رفتند. مردم دوباره از خانه های بیرون آمدند و شروع کردند به تظاهرات. من خودم را به یک کنفرانس رساندم و گفتم، تیر خورده ام. از مرا به بیمارستان رساندند. در اوپن دکتر گیبایی از من پرسید، روحیه ات چطور است؟ گفتم خوب. اگر من بهر از جوانها که عزیز تر نیستیم... آنها دستم را پیوند زدند. همه از پیروزی انقلاب من را از طرف کمیته امام به آلمان فرستادند. در آلمان هم دستم را جراحی کردند. تمام این جنایات کار امریکاست نشانه اش شاه بوده که ما را بدهانت کردند. اما خوب، برای من مهم نیست. مهم اینست که شاه را بیاورند اینجا و در دادگاه ملت محاکمه کنند. فقط من این را می خواهم.

«آمریکا و شاه مسبب اصلی جنایات ایران هستند، که البته خود شاه نیز آلت دست دست نشانده آمریکا بود. انقلاب ما انقلابی است اسلامی و صددرصد مردمی، یعنی خواست ملت ماست و تمام احزاب و گروه هایی که می خواهند خواست مردم را بیان کنند، باید در جهت حرکت مردم باشند.  
توقع من از انقلاب اینست که صددرصد پیروز شود و همان حرف هایی که گفته شده است انجام بگیرد، یعنی مستضعفین بر سر کار باشند و به خواستشان نشان برسد و این مسئله نه تنها به ایران، بلکه به تمام مستضعفین جهان مربوط می شود.»

#### همه بدبختی ها از آمریکا است

اسمین و قبه چشمبندی است. ۴۵ سال دارم و تا بهبه از کم آمده ام برای اعتراض به امریکا و کارتر. زمان انقلاب جوانها مرتب شها وسط خیابانها لاستیک می سوزاندند. من هم برای این

#### نارنجک دو پایش را از بین برد

پسرکی ۱۷ ساله بر روی ستدی چرخدار به این سو و آنسو می رود. نامش محمد رسول میوزجلیلی است. از مشهد به تهران آمده است. در دوران انقلاب، بر اثر انفجار نارنجک دستی که



نوجوانان ۱۲ ساله ای که در شیراز تیر خورده و فلج شده است

## برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود



### حزب توده ایران از تمام کاندیداهای ریاست جمهوری می طلبد که:

برنامه کار خود را بطور روشن و مشخص اعلام دارند تا مردم و همچنین احزاب، سازمانها و گروههایی که کاندیدای مستقل ندارند - از جمله ما - با آشنایی با این برنامه، بتوانند با آگاهی کامل انتخاب خود را از میان کاندیداهای ریاست جمهوری بعمل آورند.

### حزب توده ایران از تمام کاندیداهای ریاست جمهوری می طلبد که:

نظر خود را درباره برنامه انتخاباتی حزب توده ایران اعلام دارند تا هم مردم و هم حزب ما بتوانند با مواضع، افکار و نظریات کاندیداهای ریاست جمهوری درباره نوسازی اجتماعی - اقتصادی جامعه ما در مقایسه با برنامه انتخاباتی حزب توده ایران بهتر آشنا شوند و بازم بتوانند با آگاهی کامل تری انتخاب خود را از میان کاندیداهای ریاست جمهوری بعمل آورند.

## تلاش مجدد ضد انقلابیون در اراک علیه «مردم»

- چهارشنبه شب گذشته ضدانقلابیون در اراک برای بار دوم دفتر «مردم» را آتش زدند.
- شهربانی مراقبت از دفتر «مردم» را در اراک بهمه میگیرد
- حزب توده ایران بیدی نیست که از این بادها بلرزد.

شد انقلاب، که فعالیت شدیدی خود را علیه نیروهای انقلابی شدت بخشیده است. چهارشنبه شب گذشته دفتر روزنامه مردم را در اراک به آتش کشید. بر اساس گزارش خبرنگار «مردم» از اراک، ساعت ۷:۵۵ چهارشنبه شب گذشته، سه ناشناس که خبرگزاری پارس آنها را افراد موتورسیکلت سوار معرفی کرده است، با ریختن بنزین، دفتر «مردم» را به آتش کشیدند و گریختند. یکی از زواریان حزب توده ایران که از راه رسیده بود، آنها را تعقیب کرد، اما مهاجمین گریختند.

رقای حزب بلافاصله به اطفاای حریق پرداختند و آنگاه مساجرا را به شهرستانی، سپاه پاسداران، کمیته امام و دادستانی اطلاع دادند.

مشول سازمان حزب توده ایران در اراک در شکایتی که تسلیم مقامات مشول کرد، نوشته است، «ما خواستار محافظت دفتر حزب توده ایران در اراک از طریق شهربانی هستیم. علت اساسی این درخواست این است که ضدانقلابیون فعالیت خود را در اراک علیه حزب

# شصتمین سالگرد فرمان لنین در باره جهاد با بیسوادی

(پنجدهم درصد) در ترکمنستان (هفتمدهم درصد) و در ازبکستان ۱۱/۶ درصد تصمین زده میشد. ۴۸ ملیت ساکن روسیه تزاری حتی از داشتن خط بی بهره بودند. لنین در سال ۱۹۱۳ در اینباره نوشت:

«چنین کشور عقب افتاده ای که توده مردم آن از آموزش، برق و دانش محروم باشند، جز روسیه، در تمام اروپا وجود ندارد.»

یسوادی یکی از تئورترین میراث های روسیه تزاری برای حکومت شوراهای پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در سال ۱۹۱۷ بود. بنا بر این شکفت نیست که بلشویک ها بیکار با یسوادی را در صدر برنامه های انقلابی و بازسازی خود قرار دادند. لنین یادآور شد که بدون ریشه کن کردن یسوادی، ساختمان جامعه سوسیالیستی مس نخواهد بود. وی این امر را اقدام تامل ناپذیری خواند که «خلق به آن نیاز فوری دارد» و «بسا سوادان را بیسه سواد آموزی یسوادان موظف می سازد.»

در سال ۱۹۱۷، بموجب فرمان «شورای کمیسارهای خلق» درباره بسیج یسوادان و سازماندهی تبلیغات نظام شوروی، با سوادان وظیفه یافتند تا فرمها و اعلامیه های حکومت شوراهای را بسنج و امکان برسانند. در همان ماه، رسم الخط جدیدی برای تسهیل فرآیند آموزی زبان روسی وضع شد.

مبارزه با یسوادی، با امضای فرمان «ریشه کنی یسوادی در جمهوری شوروی فدراتیو سوسیالیستی روسیه» از سوی لنین به اوج خود رسید. طبق این فرمان، همه اهالی جمهوری، بین ۸ تا ۵۰ ساله، که سواد خواندن و نوشتن ندارند، موظفند تا زبان مادری و یا، در صورت تمایل، زبان روسی را فرا آموزند.

نخستین شوراهای یکپارده به دستانی بزرگ محلی شد. یسواد آموزی به مدارس مجلی که در آن زمان وجود بود، محدود نمادند، بلکه به کارخانه ها، کارگاه ها، مزارع، واحدهای ارتش و غیره گسترش یافت. حتی در محیط بی دشواری که ضد انقلاب و مهاجمان امپریالیست بیدید آورده بودند، همه کس در همه جا بتلمیم

امام خمینی در پیام مهمی، در روز ۷ دیماه، درباره جهاد با یسوادی اعلام کردند:

«سباید در برنامه درازمدت، فرهنگ وابسته کشورمان را به فرهنگ مستقل و خودکفایت تبدیل کنیم و اکنون بدون از دست دادن وقت و بسدود تشریفات خسته کننده برای مبارزه با یسوادی بطور فوری و وسیع عمومی اقدام کنیم... من از ملت عزیز امیدوارم که با همت و ولای خود بدون فوت وقت ایران را بصورت مدرسه در آورند و در هر شب و روز اوقات بیکاری یکی دو ساعت را صرف این عمل شریف نمایند.»

کمیته مرکزی حزب توده ایران، طی اعلامیه ای در تاریخ ۸ دیماه، در عین تأکید «لزوم تدوین و اجرای برنامه ای درازمدت برای مبارزه راستین در راه ریشه کن کردن یسوادی، از ابتکار تاریخی امام خمینی پشتیبانی» کرد و «همه میهنان، سازمانهای ضد امپریالیست و مترقی و بیوزنه افراد و واحدهای حزبی راه فراخواند تا در استفاده از همه گونه امکانات و وسائل، برای سواد آموزی خواهان و یسوادان یسوادا کوشا باشند.»

در این گستره، در زیر از شصتین سالگرد فرمان لنین درباره ریشه کنی یسوادی در جمهوری شوروی فدراتیو سوسیالیستی روسیه، یاد میکنیم.

در سال ۱۹۰۹ میلادی، مجله روسی «دوستیک و اسپیتانیا» (دیک آموزی) نوشت که سکنه بخش اروپایی روسیه پیش از ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال، سواد خواندن و نوشتن را نخواهند داشت. پیش از این مجله درباره دیگر نواحی روسیه از این بابت انگیزتی بود.

در سال ۱۹۱۳ «جبهه آموزی سرانه» حکومت تزاری از ۸۰ کویک تجاوز نیکی کرد. در آن هنگام، نزدیک به ۵۷ درصد سکنه روسیه یسواد بودند و ۸۰ درصد کودکان بدمدرسه نمی رفتند. کارگران و دهقانان بیروسی تقریباً سده در سواد بودند. درصد یسوادان در قزاقستان (ششدهم درصد)، با سوادان در تاجیکستان

### همکاری بحرین با امپریالیست های آمریکایی و انگلیسی

بر اساس اطلاع رسیده، تعدادی موتورلنچ، که از بوشهر به بحرین رفته بود، تا محمولات خود را تخلیه کند. توسط مأمورین بندری و کمربند حکومت بحرین به بوشهر بر گردانده شد. گفته میشود که معاونت اذکار این موتورلنچها ناشی از توافق حکومت بحرین و نمایندگان امپریالیست آمریکا و انگلستان برای آغاز تحریم اقتصادی ایران است.

### آیا راست است:

که تفتیش عقاید در ادارات دولتی و مؤسسات صنعتی و کشاورزی به صورت «حق مسلم» مشولین در آمده است؟  
و آیا راست است که بخش های کشاورزی جهاد سازندگی و دفتر بنیاد مستضعفین از استخدام غیر مسلمان ها، خودداری میکنند؟  
و آیا راست است که مسئله لزوم «مسلمان بودن» باعث شده که بسیاری از کسانی که در مبارزات ملت ایران هیچ تفتیش نداشته اند، امروزه فقط به دلیل سابقه «نامز خوانی» به راحتی استخدام شوند؟

### آیا راست است که:

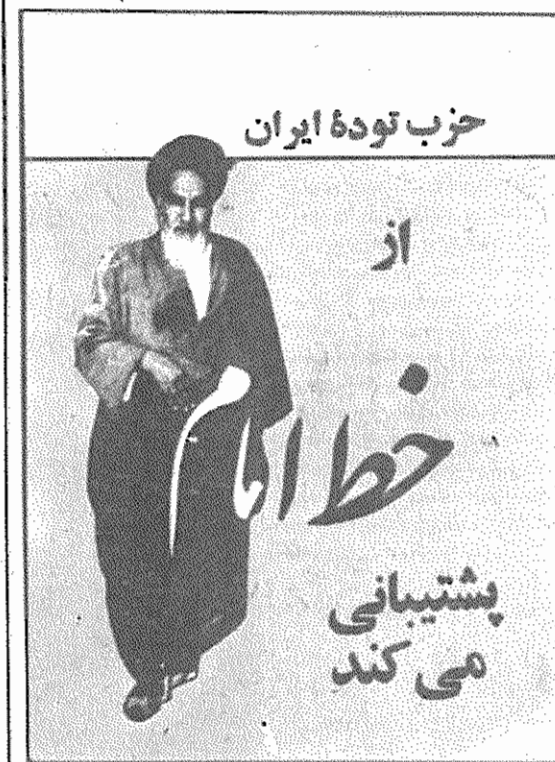
آقای ایزدی وزیر سابق کشاورزی در دولت موقت بازرگان، که کوس رسوائی سیاست ضددهقانی و ارتجاعی اش بر سر هر پانزدهم است، چندی روزهاست به وزارت کشاورزی رفته و آمد میکند و دست به تحریکات علیه برنامه های انقلابی مشولان جدید این وزارتخانه زده است؟  
آیا راست است که این مالک بزرگ و مدافع بزرگ مالکان موفق شده است چند تن از مشولان را تعزیر کند تا کارها را راکد بگذارد؟

### حمله چماق بدستان حزب جمهوری خلق مسلمان به شهر قم و رادیو تلویزیون تبریز...

بقیه از صفحه ۱

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در این رابطه اعلامیه ای منتشر ساخت که در آن از جمله گفته شده است: «جامعه مدرسین از منابع مختلف اطلاع یافت که اشرازمیخواهند در ایام اربعین در قم برادر کشی راه بیاندازند. این خبر با آیت الله العظمی شریعتی در میان گذاشته شد تا بلکه ایشان اقدام نمایند و از این توطئه جلوگیری کنند. متأسفانه معظلمه به این امر توجهی ننموده و پس از این مذاکره، توطئه به جلو افتاد. شب گذشته عده ای از اشرا و وابسته به حزب جمهوری خلق مسلمان که از اطراف و اکناف به قم آمده بودند، شبدا در منزل آیت الله به صبح رساندند و امروز همگی در حالیکه در دست چماق و در دست دیگر عکسی از ایشانرا داشتند، در خیابانهای قم به راه افتادند و هر کس را که در راه خود میدیدند، با چماق، چماق و یوکس به او حمله ور میشدند. پس از این حادثه دلخراش و تنگین بلندگوهای سخن مطهر و مساجد و اتومبیلهای مجهز به بلندگو همدا در آمدند و پیام حضرت آیت الله العظمی امام خمینی را به مردم ابلاغ نمودند تا همگی منازعه را تعطیل و به منازل خود بروند تا بلکه فتنه و آشوب خاتمه یابد.  
مع الاسف ضدانقلاب آرام نگرفت. پس از آنکه شهر قم را به آشوب کشیده بود و به مبارستان نکستی قم از زخمی پر شده بود، شهر تبریز را با شایعات بی اساس تحریک نمود.  
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم همچنین بتوان اعتراض به این عمل فحیح، امروز را تعطیل عمومی اعلام کرده و از مردم خواسته است که توطئه های ضد انقلاب را محکوم و افشاء نمایند. و از حضرت آیت الله العظمی شریعتی در میان بخواهند که بیشتر از این به ضدانقلاب اجازه اختلالگری، آشوب و بلوا داده نشود.  
طبق آخرین اخبار رسیده تا آخروقت در شب، مردم تبریز از گوشه و کنار شهر به سمت رادیو تلویزیون این شهر که در اشنال ضدانقلابیون است به حرکت در آمده اند.  
آخرین خبر - رادیو و تلویزیون تبریز توسط مردم آزاد شد.

### از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد:



### آیا راست است:

که در درمانگاه نازی آباد بعضی از پزشکان بیماران را که در دفترچه بیمه ندارند، مسایبه نمیکند؟  
و آیا راست است که دکتر حسین زاده، یکی از پزشکان این درمانگاه، در روز ۷ دیماه یسوادی را صرفاً به خاطر نداشتن دفترچه بیمه و برغم احتیاج فوری مورد معاینه قرار داده است؟

### آیا راست است:

که آقای بهرام تاج گردون، که خود را از دست بازان عسرساخیز و خدمتگزار شاهنشاهی معرفی میکند و از منوچهر گنجی وزیر آموزش و پرورش شاه خواسته بود که دبیران خوشنام منطقه کهکیلویه و بویر احمد را سرکوب کند، اینک به سمت مدیر کل آموزش و پرورش کهکیلویه و بویر احمد منصوب شده است؟  
و آیا راست است که این اعمال رژیم منحوس پهلوی، تحت رهبری آقای تاج گردون، باعث اختراع و تهیه بسیاری از معملین انقلابی کهکیلویه و بویر احمد شده اند؟

### معلمان فراهان خواستار پاکسازی آموزش و پرورش شدند

معلمان فراهان ضمن شرکت در یک گردهمایی خواستار پاک سازی کادر اداری و آموزشی وزارت آموزش و پرورش در سطح کشور، بخصوص در فراهان شدند.  
در پایان این گردهمایی، که بدنبال بی حرمتی هایی نسبت به معلمین این شهر سرگزار شد، قلمنامه ای از جانب شرکت کنندگان در گردهمایی صادر شد. معلمین فراهان در این قلمنامه خواستار تجدید نظر کلی در مورد حق کتبی ها و تبعیضی هایی که در مورد نقل و انتقالات معلمان فراهان در سال تحصیلی جاری صورت گرفته، شدند. آن ها همچنین تأکید کرده اند که کارهای آموزشی و پرورش منطقه باید از طریق نظام شورایی انجام شود ولیست اساسی عناصر وابسته به ساواک انتشار یابد.

**فرم**  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مشول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸  
تلفن: ۹۳۳۴۵۹-۹۳۵۷۲۸

چاپ: کاربان

**MARDOM**  
No. 135  
5 January 1980

Price:  
West - Germany 0.80 DM  
France 2 fr  
Austria 8 sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 fr.  
Italy 350 L.  
USA 50 Cts.

# لست ساوا که، ها را منتشر کنید!